

جهان در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

سازمانها و شخصیت هایی که اخیراً در هندوستان و بلژیک همبستگی خود را با قهرمانان اوین، کومر دشت و سایر شکنجه گاهای قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی ابراز داشته، خواهان آزادی آنان شده اند، از نظر خوانندگان می گذرد.

برای پیروزی آن شکنجه و اعدام را به جان خریدند. همبستگی مردم و نیروهای ترقیخواه کیتی با زندانیان سیاسی ایران در عین حال بیانگر رسوایی و انزوی جهانی حکومت ضد انسانی فقهاست. در زیر اسامی احزاب،

بیکار زندانیان سیاسی ایران علیه ددمنشی های رژیم خمینی همواره با پشتیبانی شورانگیز پيشاهنگان و دوستان آزادی و صلح در جهان مواجه بوده است. این پشتیبانی گواه حقانیت آرمانی است که فرزندان اسپر خلاق ایران

- ۷ - هومی داجی، دبیرکنکره اتحادیه های کارگری سراسری هند
- ۸ - س. پ. گاناچلی، دبیر مرکز اتحادیه کارگری هند
- ۹ - اجمل اجملی، دبیر شورای ملی فدراسیون نویسندگان مترقی هند
- ۱۰ - ساتون کمار، رئیس د. راجا، دبیرکل فدراسیون سراسری جوانان هند

- ۱ - ام. فاروقی، دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند
- ۲ - ای. ام. اس. نامبودی ری پاد، دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست)
- ۳ - سیتارام یاجری، مسئول روابط بین الملل و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)
- ۴ - د. د. شالستری، دبیر جبهه پیشرو
- ۵ - پارتول چودری، دبیر حزب سوسیالیست انقلابی
- ۶ - مانان مولا، عضو پارلمان و دبیرکل فدراسیون دمکراتیک جوانان هند

بقیه در صفحه ۶



دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۶ برابر ۲۴ اوت ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۷۱

رژیم مدام در مانده ترمی شود

در هفته گذشته استیتوی مطالعات استراتژیک در لندن آماری از کشتی های جنگی جمع شده در آبهای خلیج فارس و دریای عمان را مطابق با برآورد خود، اعلام کرد. بر طبق برآورد این استیتو آمریکا اکنون در خلیج فارس دارای ۷ کشتی جنگی است و در آبهای مشرف به منطقه علاوه بر ناو هواپیمابر کانستلیشن یک رزمناو، یک ناوشکن و دو ناو موشک انداز را به حالت آماده باش نگه داشته است. علاوه بر اینها کاروان دیگری شامل یک کشتی دارای چندین قایق مین جمع کن و نیز کشتی جنگی میسوری و چهار تا شش کشتی همراه آن به سمت منطقه خلیج فارس در حرکتند. پس از آمریکا، انگلستان و فرانسه قرار دارند. انگلستان ناوشکن، دو ناو موشک انداز و یک کشتی تدارکاتی در منطقه است. به زودی بر این کشتی ها چهار ناوشکن، یک کشتی تدارکاتی و چهار رزمناو دیگر افزوده خواهد شد.

مطابق با آمار استیتوی مطالعات استراتژیک، تعداد کشتی های جنگی فرانسوی در منطقه از این فرارند، یک ناوشکن، سه ناو موشک انداز و یک کشتی تدارکاتی. بر این کشتی ها قرار است سه قایق مین جمع کن و یک کشتی تدارکاتی دیگر و محتلا ناو هواپیمابر کلمانسو همراه با دو ناوشکن و یک کشتی تدارکاتی فرانسوی افزوده شود.

بقیه در صفحه ۲

«رسالت»، بازار در مبارزه با گرانی

در قالبی جدید. اینبار مقدمات و آئین نامه های دولتی مبارزه با گرانی که از سوی نخست وزیر تهیه شده بود، به توشیح خمینی نیز رسید و محتشمی وزیر کشور رژیم اعلام کرد، "امام اختیار تعزیر حکومتی را در مبارزه با گرانفروشی به دولت تفویض فرموده اند و حدود آن بسیار گسترده است." بذل و بخشش حاتم وار "تعزیرات" از مشخصه های ثابت رژیم زور سالار خمینی است. اما برخلاف آنچه که محتشمی می گوید در "گسترده گی این تعزیرات" محدودیتی است و آن اینکه این تعزیرات تا آنجا باید گسترش یابند که به پرقهای "بازار اسلامی" بر نخورد.

کژمان ایدولوژیک خود - سیاه و کمیته - کوشید تا در گرد و خاک برجای مانده سوارکاران مزدور در مبارزه با "تروریستهای اقتصادی"، نیات سرمایه نوازانه خود را پوشیده دارد. در آن روزگار تاخت و تاز لفظی علیه گرانفروشان و محکمرین، گرانفروشان و محکمرین، گرانفروشان و محکمرین توانستند انبوه برانها را ذخیره نقدی خود بیافزایند و بر کسب و کار "حلال" و "اسلامی و شرعی" خود رونق بیشتری ببخشند. گرچه چنچال امروزین فقهاد آرای ویزکی هایی است که می توان بر آن لقب "مبارزه با گرانی به سبک جمهوری اسلامی" نهاد.

چار و چنچال مبارزه با گرانی برای مردم ما تازکی ندارد. آنگاه که تورم بر زندگی محقر حقوق بگیران ثابت چنگ می کشد، داروغه پاش ها و کژمان به میادین و گذرگاه های ریزندنا با کوششالی دادن کسبه جزء و خرده پها، در فضای اهرآلوده هیاهوهای هیستریک، خالقین اصلی گرانی را از تیررس خشم توده ها مصون دارند. چنین بود مبارزه با گرانی در سالهای ۵۰ و چنین است امروز. چار و چنچال حکومت خمینی در عرصه مبارزه با گرانی بهیچ رو محدود به هفته های اخیر نمیشود. مردم بخوبی بخاطر دارند که با صعود بحران برقله سپه روزی توده ای که از اوایل سالهای ۶۰ آغاز شد، رژیم با اعزام اکیپ های موتورسوار و

بازآفرینی حکایت کهنه مبارزه با گرانی و احتکار. باز آفرینی همان حکایت کهنه است

با ورود رعب و ابر قدرت بقیه در صفحه ۱۲

در این شماره

هشت سال از آغاز یورش به خلق کرد گذشت
در صفحه ۲

نگاهی بر برخی از علل گرانی در کشور

در صفحه ۱۲

گس هال: ریگان در حال عقب نشینی است
اما نباید دچار توهم شد

در صفحه ۱۴

عوامل عملیات تروریستی رژیم خمینی در پاکستان

در صفحه ۱۱

مهدی هاشمی، محارب و مفسد فی الارض شناخته شد

سخنگوی شورای عالی قضایی طی مصاحبه مطبوعاتی اعلام نمود، خمینی و منتظری با محاکمه مهدی هاشمی موافقت کرده اند. بعد از اعلام این خبر، خمینی با صدور حکمی به حجت الاسلام فلاحیان و رازینی دستور داد بمنظور رسیدگی به محاکمه و مجازات روحانیون و از جمله مهدی هاشمی، دادگاه ویژه ای در محل اوین تشکیل دهند.

محاکمه مهدی هاشمی در دادرسی ویژه روحانیت، اولین اقدام این دادرسی شمار می رود. در متن کیفرخواست که از طرف فلاحیان قرائت شد، به غیر از بقیه در صفحه ۳

تاکید کرد چون موضوع "مرهبطه اسلام و انقلاب و امنیت کشور است، تحقیق آن منحصر در اختیار وزارت اطلاعات باید باشد."

بدنحال دستگیری مهدی هاشمی، در ۲۶ اسفندماه سال گذشته، شبکه اول تلویزیون جمهوری اسلامی فیلمی از اعتراضات هاشمی و دوتن دیگر از نزدیکان وی را به نمایش گذاشت. ساواک جمهوری اسلامی همزمان با نمایش فیلم اعترافات، اعلام کرده به اطلاعات جدیدی در رابطه با مهدی هاشمی و گروه وی دست یافته است. چندی بعد از نمایش فیلم، مقتدایی عضو و

محاکمه مهدی هاشمی که از تاریخ ۲۲ مرداد ماه در دادگاه ویژه روحانیت شروع شده بود، بعد از ۴ روز خاتمه یافت.

خبر دستگیری مهدی هاشمی و "تعدادی از مرتبطین با او" در ۵ آبان سال گذشته، با قرائت نامه ری شهری وزیر ساواک به خمینی در رادیوی حکومتی بطور رسمی اعلام گردید. ری شهری در آن نامه با ذکر بخشی از اتهامات مهدی هاشمی از خمینی خواست نظر خود را "در رابطه با رسیدگی جدی به کلیه اتهامات مهدی هاشمی و گروه وی توسط وزارت اطلاعات" اعلام کند. خمینی در پاسخ، ضمن صدور اجازه تعقیب پرونده،

رژیم مدام در مانده ترمی شود

بقیه از صفحه اول

شروع این گونه سیاست باوژی هاپسخر در مجموع مبهم رژیم به قطعنامه شورای امنیت در مورد آتش‌بس در جنگ ایران و عراق بود.

در این میان جنگ همچنان خون می‌ستاند و ویران می‌کند. عراق در هفته گذشته اعلام کرد که مخالف کشتادن جنگ به عرصه دریایا و ژدن کشتی‌هاست و درگیری با جمهوری اسلامی را تنها در چپه‌ها و حملات هوایی پیش خواهد برد. عراق در این زمینه بر تحرک خود افزوده است. در هفته اخیر تاسیسات نفتی مختلفی در خوزستان و آذربایجان شرقی هدف حملات عراق بوده است. رژیم خمینی نیز حملاتی همچون فتح ۹ را پیش می‌برد و پسر و چند شهر دیگر عراق را زیر آتش قرار داده است.

اما در این عرصه نیز وقت گذرانی مهود است. این وقت گذرانی ریشه در درماندگی دارد. جنگ اکنون جنگ سه سال، دو سال و یا حتی یک سال پیش نیست. تاثیرات داخلی و خارجی آن چند باره گشته است. رژیم خواهان تداوم

جنگ است اما هیچ گاه همچون امروز برای پیشبرد جنگ در مانده و ناتوان نبوده است. رژیم می‌کوشد مشکلات، ناتوانی‌ها و درماندگی‌هایش را در جلال زمان حل کند تا او غلظت آنها بر نمی‌آید هیچ، گذاشت هفته‌ها ماهها همچون آوار بر سر فقها فرو می‌ریزد. رژیم در باطلق دست و پا می‌زند و در مانده است، اما این درماندگی هنوز یک چیز است و احتمال پایان عملی جنگ یک چیز دیگر. درماندگی می‌تواند زمینه‌ساز خیلی چیزها باشد، خاصه اگر تاثیرات سیاسی و اجتماعی خود را آشکارتر نشان دهد و تنها در بحث عمومی بر سر جنگ وارد تحلیل نگردد.

رژیم می‌کوشد برای پیشبرد جنگ با تعرض به مردم، با تعرض به تهمانده سفره نان آنها و به چپه فرستادن جوانان هنوز در خون در نخلتیده آنها، او دامنه ناتوانی‌ها و درماندگی‌هایش بکاهد. باید برای ترتیب دادن ضد حمله نیرومندی در برابر این حمله رژیم همه قوا را بسیج کرد.

مبارزه برای صلح باید پیش از هر زمان دیگری تشدید شود. در خارج از کشور و در عرصه بین‌المللی پیش از هر هنگام دیگری برای تشدید مبارزه علیه جنگ خمینی و صدام حسین شرایط مساعدی فراهم گشته است. بر ماست که از این شرایط بهترین بهره‌گیری را به عمل آوریم.

تدارک حملات دیگری شیو هست، اما اساسا منتظر است تا بنگر آینه چه خواهد شد.

رژیم در هفته‌های اخیر هم در مقابل فشار بین‌المللی برای پایان یافتن جنگ و هم در قبال تشنج در منطقه لحن محتاطانه‌تری را گرفته است. جمهوری اسلامی بدان دل بسته است که گذشت زمان او شدت تاثیر فاکتورهای منطقه‌ای و بین‌المللی بکاهد و جنگ مجرای همیشگی خود را بیابد.

سیاست جمهوری اسلامی در قبال تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه حرم و احتیاط است. در این رابطه نه برخی از تبلیغات رادیو تلویزیونی و منبوعاتی رژیم بلکه این سخن هفته گذشته رفسنجانی را باید معیار گذاشت که "ما هیچ اقدام خصمانه‌ای علیه آمریکا صورت نخواهیم داد."

برخی از فعالیت‌های دیپلماتیک یکی دو هفته گذشته رژیم را نیز باید با سیاست وقت گذرانی توضیح داد. ولایتی به عمان رفت و با سلطان قابوس در مورد اوضاع منطقه به مذاکره پرداخت، او در عمان از نقشی که دبیرکل سازمان ملل متحد می‌تواند در رابطه با جنگ ایران و عراق ایفا کند، ستایش (!) کرد و اعلام کرد که تهران آماده پذیرایی از وی است. نقطه

نیامده است که در منطقه صلح برقرار کند، به قصد پاچ خواهی آمده است و بر آن است که حضور خود را در منطقه هم در شکل مستقیم و هم در شکل غیرمستقیم آن تقویت کرده و بدان حالت شهادی دهد. آمریکا صرفا به کرش خمینی بسنده نمی‌کند، صرفا قصد جبران افتضاح ایران گیت را ندارد و هدفهای دور و درازتری را در مقابل خود نهاده است که بی‌گمان یکی از حلقات آن به باوژی در آوردن رژیم جمهوری اسلامی به شکلی مقبولتر است.

جمهوری اسلامی اکنون به سمت کرش‌های بیشتر در برابر آمریکا حرکت می‌کند. اوچ کردن کتی رژیم خمینی در برابر آمریکا مانور مسخره نهادت در تنگه هرمز بود. این مانور دقیقا مورد استقبال آمریکا قرار گرفت و حکم مکمل مانورهای "ستاره درخشان ۸۷" را پیدا کرد.

رژیم دم تکان می‌دهد در حالی که لاییدنش نیز ادامه دارد. برای رژیم اکنون مساله عمده این است که در شرایط جدید چگونه جنگ را پیش برد. به نظر نمی‌رسد که جمهوری اسلامی در این مورد چاره ویژه‌ای اندیشیده باشد. تاکتیک کنونی رژیم تاکتیک وقت گذرانی است. بر تداوم جنگ با عراق اصرار دارد، حملات پراکنده‌ای را ترتیب می‌دهد، در

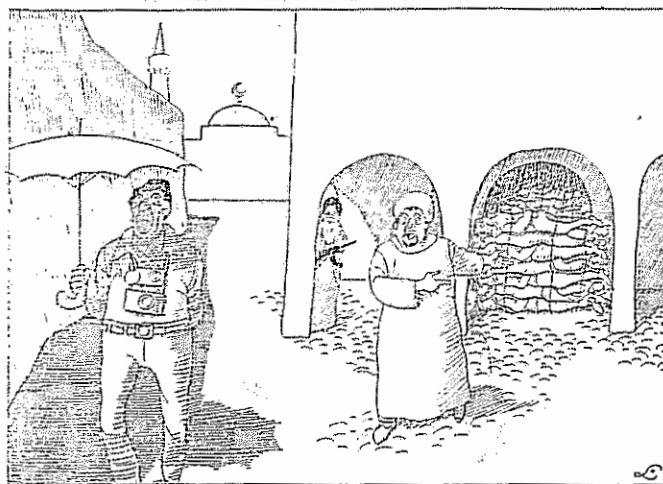
علیرغم افزایش مدام تعداد کشتی‌های جنگی آمریکایی، فرانسوی و انگلیسی در منطقه، برخی از مطبوعات غربی در هفته گذشته بر این نظر بودند که تشنج در منطقه خلیج ولرد فوس نزولی خود شده است. اما هر چند که بحران به شدت دو سه هفته گذشته نیست، هنوز نمی‌توان چنین حکمی را داد. تشنج اگر چه هم از سوی آمریکا و هم از سوی جمهوری اسلامی تحت کنترل است، اما هنوز در آن حد بالاست که وضعیت را بتوان همچنان وخیم توصیف کرد.

عمدتا آنچه که باعث شد در برخی مطبوعات غرب او کاسته شدن شدت بحران در منطقه سخن گفته شود اظهارات رفسنجانی در مورد گروگانهای آمریکایی در لبنان بود. رفسنجانی در هفته گذشته اعلام کرد که جمهوری اسلامی حاضر است در راه آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان بکوشد و از روابط ویژه خود با حزب الله لبنان و دیگر گروههای مشاهه در این کشور، در این راستا بهره گیرد. او البته او مهادله پس گروگانها با اعضای گروههای تهیه لبنانی اسیر در اسرائیل و کویت سخن گفت، اما اساسا تاکید از در مورد مساعدت جمهوری اسلامی برای آزادی گروگانهای آمریکایی جلب نظر کرد.

در غرب سخنان رفسنجانی به مثابه کرش ملیحانه رژیم در برابر آمریکا انعکاس یافت. این برداشت کاملا صحیح است اما او آن نمی‌توان کاسته شدن او دامنه تشنج در منطقه را نتیجه گرفت. در همین هفته گذشته شاهد بودیم که چگونه نفت کش‌های کویتی بیشتری به زیر پرچم آمریکا رفت و چگونه آمریکا با هم ماشین جنگی خود را در آبهای منطقه تقویت کرد. رژیم‌های عربی مرتجع منطقه نیز به فکر تقویت بیشتر قدرت نظامی خود افتاده‌اند. عربستان هواییمای جنگی تاوّه‌ای را به آمریکا سفارش داده است و بقیه کشورها نیز در حال تهیه لیست سفارهای تاوّه‌اند.

ریشه تشنج در منطقه، جنگ ارتجاعی هفت ساله ایران و عراق است. در واقع خمینی آمریکا را به منطقه فراخوانده است. این احکام احکامی هستند قطعا صحیح اما به شرطی او بار معنایی دقیقی برخوردار خواهند بود که عمیقاً به اهداف آمریکا در منطقه توجه داشته باشیم. آمریکا

مستر، گروگانها آماده تحویلند!



در هفته گذشته رفسنجانی اعلام کرد که رژیم آماده است ترتیب آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان را بدهد و از رابطه خود با حزب الله لبنان در این راستا بهره گیرد. این سخن همراه با اعلام این موضوع که "جمهوری اسلامی هیچ اقدام خصمانه‌ای راعلیه آمریکا صورت نخواهد داد" به مثابه کرش ملیحانه رژیم خمینی در برابر آمریکا تفسیر شد.

(کاریکاتور از روزنامه زودویچه تسایتونگ)

هشت سال از آغاز یورش به خلق کردگذشت

در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸، خمینی فرمان یورش سراسری به کردستان را صادر کرد. یورش جنایتکارانه پاسداران و نیروهای ارتش به مردم مبارز کرد از شهر پاره آغاؤ کشت. رژیم با اندیشه سرکوب قوری و بناپودی مقاومت خلق کرد و رؤمندگان دلاور، با تمام قوا و باعیان ساختن اوچ تبهکاری و ددمنشی، هرچا که پاکداشت موجی اوکشتار و جنایت و آتش و خون پدید آورد. در هر شهر اشغال شده کردستان اعدام‌های جمعی و وسیع ترتیب داده شد. چهره‌های نمادین رژیم در جنایت و کشتار همچون شیخ صادق خلخالی و جمران در منطقه به چولان برداختند.

همومان با یورش به کردستان، درحد امکانات آن زمان رژیم، سازمان‌های چپ و دمکرات نیز در سراسر کشور مورد حمله قرار گرفتند. جمهوری اسلامی برای ایجاد وحشت در کردستان و دیگر نقاط کشور به باؤتاب وسیع جنایت‌هایش در کردستان پرداخت، صفحات اول روزنامه‌های رژیم با عکس‌های سروهایی که ایستاده می‌مردند، قهرمانانی که تا آخرین دم حیات با سرافراشته مرگ را پذیرا می‌شدند مزین شد.

اما رژیم بسیار زود ضربات متقابل خلقی قدرتمند و رزمنده را دریافت داشت. باوجود فروانگدن مداوم بمب و کلوله و آتش برسرمردم کرد، علیرغم دستگیری، وئندان و اعدام کردن فرزندان مبارزان این خلق دلاور و پیکاری ده‌ها و صد‌ها روش سرکوبگرانه دیگر، رژیم در سرکوب جنین خلق کرد شکام ماند. سال گذشته در هفتمین سال یورش ارتجاع به کردستان، رفسنجانی جنایتکار در دیدار با پاسدارانی که پس از پایان دوره آموزشی عاؤم کردستان بودند، عاؤانه گفت: "مامی دایم که یکی او کارهای مشکل جنگ در کردستان است... آنهایی که در کردستان باشما طرف هستند، بدتر او ارقی‌ها هستند، شما با بدترین دشمن اسلام مواجه هستید... با آنها در نهایت شدت برخورد کنید."

در طی تمام هشت سال گذشته، هشت سالی که او آغاؤ یورش به کردستان می‌گذرد، رژیم به اشکال مختلف "ضهابت شدت برخورد" را به کار گرفته است. پیش او صد‌هزار نیروی تا دئندان مسلح، منطقه را به اشغال در آوردند، هرچا که تواضتند، پادگانی ساختند، کردستان را با

تاکتیک جنگی زمین سوخته و انهدام روستاها و شهرها به بناپودی کشاندند، سوؤانددند و کشتند، بناپود ساختند. به بخاطر کلوله باران‌های توپخانه‌های رژیم خمینی و هواپیماهای عراق بسیاری روستاها خالی اوکنه و تخلیه شدند. شهرهای پانه و مریوان ویرانه شده اند، شهرهای سردشت و پیرانشهر و اشویه شدت آسیب دیده اند.

تره‌همه این جنایت‌ها، افزایش خشم و شغرت توده‌های مردم کردنسبت به رژیم ضد خلقی و جنایتکار جمهوری اسلامی و فروؤان تر شدن آتش رؤم مسلحانه آنان بود.

جمهوری اسلامی علیرغم اشغال نظامی منطقه همچنان در پایگاه‌های خود وئندانی است و همچنان خودراد در دریای خشم مردم در وورقی درم شکستنی و پوسیده می‌بیند. مبارؤات قهرمانانه خلق کرد توان رژیم خمینی را فرسوده است و فرسوده‌تر خواهد ساخت.

برای پیروؤی قطعی جنین ملی

کمونیستی ایران می‌نهد. در این وؤمیغه آنچه که به ساؤمان ما مربوط می‌شود این است که مامی کوشیم او یکسوبه وظایف مبارؤاتی خویش در قبال جنین ملی خلق کرد پاسخ گوئیم و در این راه هرگونه مانعی را او سراه برداریم و او سوی دیگر تامین اتحاد جنین ملی خلق کرد با جنین کمونیستی را عملی سازیم. در راستای شخصت ما این رهؤمود پلغوم وسیع کمیته مرکزی ساؤمان در فروردین ماه ۶۵ را فراراه جؤود می‌دائیم که؛ "وظیفه مبرم ساؤمان ماست که فعالیت سیاسی و ساؤمانی خود را در کردستان هرچه فعال‌تر گسترش دهد. جلب توده‌های وؤحتمکش کرد به صفوف ساؤمان و گسترش نفؤؤ سیاست، شعارها و برنامہ ما در میان خلق کرد دارای اهمیتی فوق‌العاده است. کردستان هم کانون مبارؤه علیه ستم ملی و هم یک کانون تمرکؤ نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. با توجه به خط مشی، برنامہ و سمتگیری نیروهای جنین ملی کرد، حضور فعال ساؤمان در منطقه و تلاش ساؤمان بمشابه پیشاهنگ طبقه کارگر



سال ۱۳۵۸ - صحنه ای از اجلاس شورای شهر سنندج

خلق کرد ضرورت اشکارناپاید و تجربه صدها بار ثابت شده، برقراری ارتقایی هرچه مستحکم‌تر بین جنین ملی خلق‌ها پویزه خلق کرد با جنین سراسری طبقه کارگر ایران است. خلق کرد تنها و تنها در اتحاد با طبقه کارگر به آرمان رفع ستم ملی و تامین خواستهای دمکراتیک خویش دست خواهد یافت. هیچ نیروی طبقاتی دیگری قادر و مایل به پذیرش و رؤم در راه این آرمان و خواسته‌ها نیست. هرگونه توم در این وؤمیغه به محال واگذار کردن این وظایف است. پیروؤی قطعی مبارؤات ملی خلق‌های ایران در گرو مبارؤه پیروؤمند سراسری است و پیروؤمندی و انجام وظایف دموکراتیک انقلاب ایران نیز مستقیما با نقش طبقه کارگر در آن درارتباط است.

این امر ضرورت‌های ویژه‌ای را در مقابل ساؤمان‌های خلق کرد و جنین

ایران برای سرنوشت نهایی آن حایؤ اهمیتی تعیین کننده است." واقعیتی است که مواضع انحرافی ساؤمان ما در سال‌های ۶۰ و ۶۱ در قبال رژیم جمهوری اسلامی و به تبع آن ساؤمان‌های سیاسی خلق کرد، بر پیشرفت در راستای دوم یعنی تامین اتحاد جنین ملی خلق کرد، با جنین کمونیستی، تاثیراتی مخرب جدی برجای گذاشته است اما ندیدن این اصل تاریخی که تنها جنین کمونیستی بنا به ماهیت خود مدافع پیگیر و رؤمنده راه کسب حقوق خلق‌های تحت ستم است، و واقعیت دفاع قاطع و همیشگی کمونیست‌های ایران او حق تعیین سرنوشت خلق‌ها و مشخصا خلق دلاور کرد، نمی‌تواند او هیچگونه اصولیتی برخوردار باشد. این امر قطعا ضربات چیران بناپذیری بر مبارؤه پیروؤمند خلق کرد و انقلاب ایران وارد خواهد ساخت.

مهدی هاشمی

بقیه از صفحه اول

اتهاماتی که قبلا در جریان دستگیری مهدی هاشمی و بعد از آن از طرف ساواک مطرح شده بود، نکات تازه‌ای افشاند. در جریان این دادگاه، اتهامات مهدی هاشمی و گروه وی در ۸ بند خلاصه شد که در مطبوعات دولتی رژیم به بند ۶ آن هیچگونه اشاره‌ای نشده است. خودداری از اعلام این‌بند از کیفرخواست مهدی هاشمی در رابطه با هشدار اکید خمینی مبنی بر مصون داشتن "دامن بزرگان از اتهامات" قابل ارزیابی است.

متن کیفرخواست مهدی هاشمی، به غیر از بند اول آن که مربوط به "سازماندهی و رهبری گروه‌های متعدد ترور و آدم‌ربائی" می‌باشد، بقیه در چارچوب کشمکش‌های درونی ارکانهای حکومتی و جنگ و جدال جناح‌های ارتجاعی رژیم قرار دارد. در این چارچوب محور اصلی اتهامات وی، چنانکه قبلا نیز اعلام شده بود "ایجادسولن و بدبینی نسبت به مسئولین و نظام جمهوری اسلامی" و "مخالفت و اقدام علیه سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی" ذکر شده است.

مهدی هاشمی در جریان دادگاه، علت "انحرافات" خود را ناشی از "مسائل خطی کشوری" خواند و تاکید بیش از حد بر سیاست و "افراط و تندروری در تحلیل مسائل سیاسی" را ریشه "انحرافات" خود و گروه‌اش برشمرد.

وی در پایان دفاعیات خود، با اقرار به قتل‌های متعددی که بوسیله وی و عواملش صورت گرفته و با پذیرفتن سایر اتهامات دادگاه، از خمینی تقاضای عفو کرد.

در پایان چهارمین روز دادگاه مهدی هاشمی، دادستان دادسرای ویژه روحانیت با تاکید بر "نقش تخریبی و انحرافی اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌های بی‌نام و نشان جریان مهدی هاشمی در جهت بدبین کردن مردم به نظام مقدس جمهوری اسلامی" از ریاست دادگاه ویژه روحانیت برای وی به عنوان "مصدق بارز محارب و مفسد فی الارض" تقاضای اشد مجازات کرد.

حکم نهائی مجازات مهدی هاشمی، هنوز از طرف دادگاه ویژه روحانیت اعلام نشده است و انتظار می‌رود بعد از مشورت با خمینی در آینده صادر شود.

وضعیت صادرات نفت ایران و عراق

کازم پور اردبیلی معاون امور بین‌المللی و بازرگانی وزارت نفت، طی یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی وضعیت کنونی صادرات نفت جمهوری اسلامی و تنگناهای ناشی از قطع واردات نفت ایران توسط دولت فرانسه را تشریح کرد. وی در مورد خودداری فرانسه از خرید نفت ایران گفت، "مانگرانی نداریم، سهمیه‌های صادراتی ما آنقدر تنوع دارد که اگر محدودیت صادرات را برداشت نماییم بیش از ۴۰ کمپانی دولتی در بیش از ۲۰ کشور جزو فهرست برداشت کنندگان نفت ایران هستند که حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد سهمیه صادراتی ما دارند."

هفته گذشته منابع نفتی غرب و رسانه‌های عراق اعلام کردند خط لوله جدید این کشور که از خاک ترکیه می‌گذرد، از روز چهارشنبه ۲۸ مرداد شروع به کار کرده است. این خط لوله روزانه نیم میلیون بشکه نفت عراق را به دریای مدیترانه می‌رساند. از طریق خط لوله اول نیز که از مدت‌ها پیش مورد بهره‌برداری قرار گرفته، روزانه یک میلیون تن صادر می‌شود. آمار موجود نشان می‌دهد که تا ماه آینده و شاید هم زودتر، تولید نفت عراق از سطح سهمیه رسمی ایران در نیمه دوم سال ۸۷ که ۸۷/۲۹ میلیون بشکه در روز است، بالاتر خواهد رفت.

بر طبق ارزیابی "نشریه بازار نفت"، چنانچه عراق از خط لوله با ظرفیت کامل ۵۰۰ هزار بشکه در روز بهره‌برداری کند، در سه ماهه چهارم سال جاری، تولید خود را به ۲/۷ میلیون بشکه در روز خواهد رساند. تولید کنونی عراق بر اساس گزارش دریافتی اوپک، ۲/۲ میلیون بشکه در روز است.

در صورت ادامه روند تولید فعلی عراق، نقش این کشور در بازار نفت، سهمیه بندی اوپک بی‌تاثیر نخواهد بود. بویژه آنکه کازم پور اردبیلی بر اساس نظر سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی در مصاحبه خود تاکید کرده است، برای حفظ توان تولیدی، سرمایه‌گذاری و اکتشاف باید سهم ایران ۱۴/۲ درصد تولید اوپک باشد. این رقم هم اکنون کمتر از ۱۲ درصد است.

افزایش نرخ بیمه کشتی‌ها در خلیج فارس

شرکت بیمه لویدز روز ۱۵ مرداد نرخ بیمه کشتی‌هایی که در خلیج فارس تردد می‌کنند را افزایش داد. روزنامه کیهان ۱۸ مرداد ضمن اعلام خبر فوق، به نقل از خبرگزاری فرانس پرس نوشته است، لویدز اعلام داشته است براساس این تصمیم نرخ بیمه از ۲ درصد به ۳/۷۵ درصد برای حمل و نقل در شمال خلیج فارس و در بالای مدار ۲۷ درجه طول شمال که منطقه کویت و شمال عربستان را در برمی‌گیرد افزایش یافته است.

به گزارش "لویدز لیست" از اول سپتامبر سال ۱۹۸۶ میلادی تا ماه اوت سال جاری ۱۱۸ کشتی بازرگانی و نفتکش در آبهای خلیج فارس هدف حمله هواپیماهای عراقی و جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. بالا گرفتن وضعیت بحرانی در خلیج فارس افزایش نرخ بیمه را موجب شده است. در جریان "مانور شهادت" که دو هفته پیش توسط نیروهای دریایی پاسداران اسلامی در دریای عمان و خلیج فارس برگزار شد، بیش از ۵۰ نفت کش شرکتیهای مختلف نفتی از ورود به تنگه هرمز خودداری کردند.

دبیر کل سازمان ملل به تهران می‌رود

خبرنگاران گفت، روز جمعه گذشته (۲۲ مرداد) رجایی خراسانی سفیر ایران در سازمان ملل، طی تماس تلفنی با دبیر کل، خبر دعوت به ایران را به اطلاع وی رسانده است. تاریخ این سفر هنوز اعلام نشده است.

همچنین سفیر ایران در سازمان ملل چند روز قبل اعلام کرد که لاریجانی معاون وزیر امور خارجه ایران، طی هفته جاری وارد نیویورک خواهد شد. پیش از آنکه لاریجانی تهران را ترک گوید، روز شنبه ۲۱ مرداد، سفیر آلمان فدرال در تهران با ولایتی دیدار کرد و پیام‌ها نس دیتریش کنسر وزیر امور خارجه آلمان فدرال و رئیس‌فعلی شورای امنیت سازمان ملل را در اختیار وی گذاشت. قرار است لاریجانی بر سر راه خود به نیویورک در این با مقامات آلمان فدرال ملاقات کند.

روز شنبه طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق با ارسال نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل، از وی خواستار گردید که ایران را به اجرای قطعنامه شورای امنیت وادار سازد.

به گزارش خبرگزاری رویتر، یک سخنگوی دبیر کل سازمان ملل روز دوشنبه ۲۶ مرداد اعلام کرد خاویر پریز و کوئیاری آماده است دعوت ایران برای بازدید از این کشور را بپذیرد به شرط آنکه چشم‌انداز نتیجه مثبت آن نمایان باشد.

به نوشته روزنامه کیهان به نقل از خبرگزاری رویتر، سخنگوی مزبور گفت، این دعوت به طور شفاهی انجام گرفته و دبیر کل سازمان ملل در حال حاضر در انتظار تایید رسمی و اعلام جزئیات آن است. وی تأکید کرد اگر بنا باشد سفر به تهران صورت گیرد، پریز و کوئیاری باید ظرف ماه آینده آن را به انجام برساند، زیرا از روز ۲۴ شهریور (۱۵ سپتامبر) به بعد که مصادف با آغاز اجلاس سه‌ماهه مجمع عمومی سازمان ملل است، دو کوئیاری معمولاً در طول این سه ماه نیویورک را ترک نمی‌کند. روز یکشنبه ۲۵ مرداد در سازمان ملل متحد اعلام شده بود که رژیم جمهوری اسلامی از پریز و کوئیاری جهت سفر به تهران دعوت به عمل آورده است. سخنگوی دبیر کل در این باره به

احتمال از سرگیری جنگ شهرها

جمهوری اسلامی، شهرهای دهوک، در بندلیخان و الصامه عراق را بمباران کرده بودند.

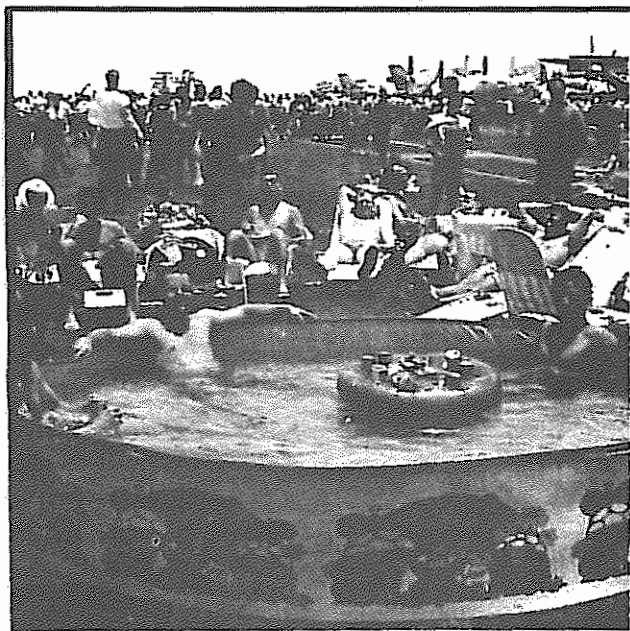
علاوه بر این، در منطقه دریایی نیز بر شدت تشنج افزوده گردید اخبار مربوط به خلیج فارس همچون هفته‌های پیش در صدر گزارش‌های رسانه‌های جهان قرار داشت.

روز شنبه یک نفت‌کش لیبیایی که حامل مایعات شیمیایی بود در دریای عمان مورد حمله قرار گرفت. برخی از رسانه‌ها اعلام کردند حمله به این نفتکش توسط ناوچه‌های تندرو جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

در هفته گذشته حملات هوایی ایران و عراق به شهرهای یکدیگر، ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. در این حملات بیش از ۷ شهر ایران و چند شهر عراق هدف بمباران هوایی قرار گرفتند.

روز دوشنبه ۲۶ مرداد، سه واحد صنعتی در استان خوزستان بمباران شدند. در این بمباران خسارات سنگینی به واحدهای صنعتی وارد شد و تعدادی از کارگران آنها کشته و مجروح شدند. همین فجایع، در تبریز، آغاچاری و گچساران تکرار گردید.

جمهوری اسلامی به تلافی حملات هوایی عراق، تاسیسات اسکله‌های البکر، الامیه، بندرام‌القصر اطراف بصره، ابو الخلیب، زهیر، برزگان و... را زیر آتش سنگین توپخانه قرار داد. به ادعای عراق، یک روز پیش از آن نیز مراکز مسکونی بصره و العزیز کلوله باران شدند.



خلبانان آمریکایی با آسودگی خاطر بر روی عرشه ناو هواپیماها کانسنتیشن در خلیج فارس حمام آفتاب می‌گیرند!

به این ترتیب دور حملات متقابل آغاز شد. عراق نیز به بهانه پاسخ به اقدامات جمهوری اسلامی، روز پنجشنبه ۲۹ مرداد، منطقه اورمان در سردشت، یک روستا در حوالی مریوان و یک واحد کارگری در اراک را به شدت بمباران کرد. روزهای جمعه و شنبه نیز حمله هوایی به شهرهای کشورمان ادامه یافت. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، روز شنبه هواپیماهای عراقی به یک واحد صنعتی در بندرخمینی یورش بردند. ساعتی قبل از این حمله، هواپیماهای

چند هزار سال انتظار

برای دریافت کالا از تعاونی

جدولی که مشاهده می‌کنید، چگونگی توزیع کالا در تعاونیهای سراسر کشور میان اعضای آن و میزان سهمیه‌ای که در سال ۶۵ به تعاونیهای مصرف اختصاص یافته است را نشان می‌دهد. مطابق ارقام ارائه شده در این جدول، هر عضو تعاونی برای دستیابی به یکی از اقلام لوازم خانگی باید صدها سال به انتظار بنشیند. طول مدت نوبت انتظار بر اساس سهمیه‌ای که در سال ۶۵ به تعاونیهای مصرف سراسر کشور داده‌اند و به نسبت هر هزار عضو تعاونی که از میزان مشخصی سهمیه برخوردارند، محاسبه شده است.

ردیف	نوع کالا	تعداد کل سهمیه	میزان سهمیه به نسبت هر هزار نفر	مدت زمان لازم برای دریافت یک کالا
۱	بجبال	۴۰۹۶	۲۳۲	۴۲۴ سال
۲	توپریون سیاه سفید	۸۵۷۹	۴۱۸	۲۰۸ سال
۳	سماور	۵۹۵۸	۳۱۲	۲۰۳ سال
۴	اتاق گاز فر دزد	۸۰۰۲	۴۱۷	۲۱۲ سال
۵	علامه‌بوس	۱۷۵۰	۹۷	۱۰۳ سال
۶	کولر	۱۰۴۲	۵۱۸	۱۷۲ سال
۷	رادیو	۸۲۱۰	۴۱۵	۲۲۲ سال
۸	آرپیو	۴۳۰۰	۲۱۶	۱۶۶ سال
۹	لوش (بر حسب متر)	۳۶۹۳۳	۱۵۰ متر	۱۲ متری
۱۰	پنو	۴۵۷۸۸	۲۵۴	۳۹ سال
۱۱	انگرمکن نفتی	۱۰۵۰	۰۶	۱۶۶ سال
۱۲	چینی	۵۳۲۴	۲	۲۳۳ سال
۱۳	سنگ	۱۲۸۴۲	۷	۱۴۲ سال
۱۴	نظاری نفتی	۳۳۲۹	۳۱۵	۲۸۵ سال
۱۵	تلویزیون رنگی	۱۲۸۹	۰۷۱	۱۴۰۸ سال
۱۶	سیندر گاز	۵۳۲۹	۲۱۹	۲۴۴ سال
۱۷	موتورگازی	۱۰۴۴	۵۱۸	۱۷۲ سال
۱۸	رادیوسبب	۴۱۰۰	۲۱۲	۱۶۶ سال

بنابراین نوشته کیهان ۲۶ مرداد، آخرین آمار ارائه شده، حاکیست که تعداد تعاونیهای کل کشور تا پایان سال گذشته به مرز ۱۸ هزار رسیده که این تعاونیها با حدود ۹/۵ میلیون عضو، بیش از ۲۷/۵ میلیون نفر جمعیت را تحت پوشش خود قرار می‌دهند. طبق گزارش همین روزنامه، طی پنج ماهه اول سال جاری تقریباً هیچکدام از اقلام لوازم خانگی که در جدول فوق نیز اشاره شده، به تعاونیها اختصاص نیافته است. در صورت ادامه وضع فعلی، مدت انتظار برای دریافت هر یک از این کالاها صدها هزار سال خواهد شد.

اتاق بازرگانی چهار روز ارتخانه دولت موسوی را بایکوت کرده است

"چرا تا کنون نه رادیو نه تلویزیون و نه روزنامه و نه مجله و نه یک منبری و نه یک واعظونه یک وزیر و نه یک طلبه مدعی فقه و فقاهت حتی یک جمعه هم در تاریخ پیدایش و سیر وجودی اتاق بازرگانی در این کشور حرف نکرده است که آیا این نهاد خادم است یا خائن؟ آیا باید لااقل مقداری از نفاها و کلاه‌ها متوجه این اتاق باشد یا همه تقصیرها مال دولت... چهره چهار وزارتخانه رسماً امضا کرده‌اند و من (نماینده تبریز) مدرک کتبی‌شان را دارم که این اتاق انتخاباتش نامشروع است ولی مردم از این مساله خبر ندارند. آیا یک اتاق بیاورد و چهار وزارتخانه را بکوبد و بایکوت نماید و دولت را بخرد نماید این درست است."

مطلب فوق از سوی رضوی نماینده مجلس اسلامی در مصاحبه با روزنامه کیهان اظهار شده است.

مذاکره احمد خمینی با آمریکایی‌ها در ژنو

میچگونه واکنشی صورت نگرفته است. در مطبوعات ایران نیز تا کنون خبری پیرامون این سفر و بنا تکذیب آن درج نگردیده است.



به گزارش یک روزنامه سویسی احمد خمینی، سه شنبه ۲۰ مرداد همراه محافظین ۱۵ تن از مقامات با نفوذ و مورد اعتماد چماران، به منظور انجام ماموریت ویژه‌ای وارد ژنو شد. این عده را دوهواپیمای اختصاصی جمهوری اسلامی به سویس رساندند و آنان در ژنو، در هتل "دورون" و هتل اینترکننتینال این شهر جهت پی‌گیری ماموریت خود، اقامت کردند. در میان کسانی که به محل اقامت احمد خمینی رفت و آمد می‌کردند یک افسر بازنشسته ایتالیایی نیز به چشم می‌خورد. منابع فرانسوی و سویسی از این افسر ایتالیایی و احمد رحیم زاده که از نزدیکان محسن رفیق‌دوست وزیر سیاه پاسداران است به عنوان ترتیب‌دهندگان برنامه سفر احمد خمینی به ژنو جهت مذاکره با فرستادگان دولت آمریکا یاد کرده‌اند.

روزنامه "لاویس" چاپ ژنو با درج گزارش این سفر، نوشته است، احمد خمینی از طرف جمهوری اسلامی با یک گروه نماینده غیر رسمی آمریکا و مشاوران اسرائیلی آنان در مورد تجدید روابط آمریکا و جمهوری اسلامی، خرید اسلحه و امضای قراردادهایی مذاکره خواهد کرد. از طرف آمریکا تاکنون نسبت به سفر احمد خمینی به ژنو و اخبار منتشره در این مورد،

مرگ دیپلمات عربستان سعودی در تهران

آنان در تهران تحت بازداشت قرار گرفته‌اند و جمهوری اسلامی به هیچیک از آنان اجازه خروج نمی‌دهد. کاردار سفارت عربستان مدعی است در جریان یورش حزب اللهی‌ها به داخل سفارت، همه اموال آن نابوده شده و بی‌مهاجمین آنها را به عنوان غنیمت پا خود برده‌اند.

از سوی دیگر روز دوشنبه ۲۶ مرداد رادیو تهران، گزارش داد که ساختمان جمهوری اسلامی در حده از روز یکشنبه توسط نیروهای مسلح سعودی به محاصره کامل درآمده و از رفت و آمد به داخل آن جلوگیری می‌شود و نمایندگان سیاسی نیز پس از بازرسی کامل حق ورود به کنسولگری را می‌یابند. بر اساس گزارش همین خبرگزاری، کلیه افرادی که روز شنبه قصد ورود به کنسولگری داشتند، بازداشت شده‌اند. همچنین اعلام شد که مقامات عربستان به کربوبی نماینده خمینی دستور رداوند طی ۲۴ ساعت خاک این کشور را ترک گوید. رضایی سرپرست حجاج نیز بازداشت و از عربستان اخراج شد. وی صبح دوشنبه وارد تهران شد.

طی سه هفته، انتقال اجساد قربانیان جمعه خونین مکه به تهران ادامه داشته است. به‌تایید وحید دستجردی مدیر کل هلال احمر جمهوری اسلامی تا روز دوشنبه ۲۶ مرداد، ۴۱۲ تن از اجساد ایرانیان به تهران انتقال یافته‌اند. هنوز ۵۰ تن دیگر مفقود الاثر هستند.

در پی مرگ مساعد القامدی وابسته سیاسی عربستان در سفارت آن کشور در تهران، نزاع تبلیغاتی میان ریاض و تهران، مفته گذشته به شدت اوج گرفت. القامدی سه هفته پیش، در جریان هجوم حزب اللهی‌ها به سفارت عربستان سعودی در تهران مشروب شد و جهت مداوا به بیمارستان انتقال یافت. وی در بیمارستان در اعتراض به دولت اسلامی از خوردن غذا و دارو خودداری کرد و خواستار انتقال به کشور خود شد. القامدی پیش از آنکه به داخل هواپیما انتقال یابد، مرد.

مقامات عربستان، تهران را بخاطر عدم مراقبت پزشکی از وابسته سیاسی آن کشور، مسئول مرگ وی معرفی کردند. روز سه‌شنبه ۲۷ مرداد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تکذیب ادعای عربستان، اعلام کرد، "مرگ وی به این علت بوده که مقامات عربستان اصرار ورزیدند وی به کشورش بازگشت داده شود ولی در راه فرودگاه حاشی به وخامت گذاشت و پس از آنکه به بیمارستان بازگردانده شد، فوت کرد."

خبرگزاری آسوشیتدپرس روز پنجشنبه ۲۹ مرداد به نقل از مقامات عربستان، خبر داد که مرگ القامدی نه در بیمارستان تهران بلکه در فرودگاه مهرآباد صورت گرفته است. از هنگام قاچع خونین مکه، ۲۵ تن از دیپلماتهای عربستان سعودی و اعضای خانواده‌های

مد اخله خمینی برای فرونشاندن اختلاف در میان فرماندهان کمیته‌ها

که خود جزو جج الاسلام و از منصوبین خمینی است باردیگر با پشتیبانی وی در ست خود ابقا شد و به عنوان نماینده وی مورد تایید قرار گرفت. خمینی در پاسخ خود بر سابقه و نقش سراج الدین موسوی در تحکیم رژیم اسلامی تاکید کرد.

فرماندهان و مسئولین کمیته‌ها با نوشتن نامه‌ای به خمینی از وی خواستند... نظر خود را نسبت به نمایندگی اش "در کمیته انقلاب اسلامی" اعلام کند. سراج الدین موسوی، فرمانده کل کمیته‌ها

ایران

حقوق بشر

صلح

بمنظور اعتراض علیه نقض حقوق بشر در ایران و ادامه جنگ ایران و عراق، از طرف انجمن طرفداران حقوق بشر اسپانیا گروهی با شکوهی در تاریخ ۸ ژوئیه (۱۷ تیر) در سالن اجتماعات مرکز فرهنگی "آتنه اودمادرید" تشکیل شد که جمع کثیری از اسپانیایی‌ها و ایرانیان مقیم اسپانیا در آن شرکت کردند. این گروهی مورد پشتیبانی بزرگترین تشکلهای کارگری اسپانیا یعنی کمیته‌های کارگری ۵۵-۵۵ و اتحادیه عمومی کارگران U. D. T. و حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست خلقهای اسپانیا، تشکیلات جوانان این دو حزب، جبهه خلق برای آزادی فلسطین (اسپانیا)، حزب کمونیست شیلی (اسپانیا)، کلوب دوستان یونسکو در اسپانیا، سازمانهای صلحدوست اسپانیایی و همچنین برخی از شخصیت‌های مبارز و نامدار این کشور قرار گرفت.

خاطره غم انگیز نبردهای پلیس دو آلبه دیکناتورهای پستی می‌باشد - صورت می‌گیرند. دستگیر شدگان هلته‌ها و ماهها را در زندان می‌گذرانند بدون آنکه کوچکترین اطلاعاتی به خانواده‌هایشان داده شود. به آنها اجازه ملاقات با وکیل داده نمی‌شود. در رژیمی که وجود زندان از عناصر پایه‌ای آن است، اعمال شکنجه شیره روزانه است.

لوتیس میکل در قسمت دبیری از سخنان خود سیاستهای جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرد. وی پیرامون روابط تسلیحاتی ایران و عراق با اسپانیا و اوضاع کنونی جنگ اظهار داشت،

"ایران و عراق در طول سال ۸۶ در مجموع ۲۰ هزار تن بمب از اسپانیا دریافت کرده‌اند، این معامله تجاری

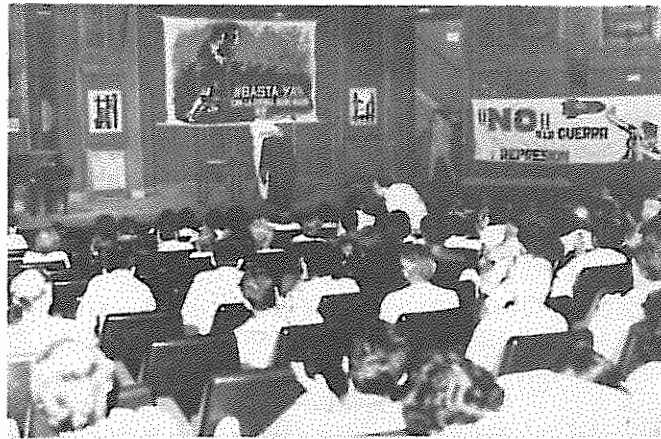
یکی از سخنرانان برجسته این گروهی، "لوتیس میکل" دبیرکل انجمن حقوق بشر اسپانیا بود. وی در بخش‌هایی از سخنان خود در باره نقض حقوق بشر در ایران چنین گفت،

"ایران کشوری است با بالاترین تعداد زندانیان سیاسی در جهان. این تعداد زندانی سیاسی حتی در دوران حکومت دیکتاتوری خونین شاه نیز وجود نداشته است... دستگیری‌ها تماماً توسط سپاه پاسداران - نیروی مطلق العنانی که در ذهن ما اروپایی‌ها بادآور

از طریق شرکت‌های دولتی انجام گرفته است که از میان آنها می‌توان به کاسا، سانتا باربارا، اسپراترا و... اشاره کرد. محموله‌های اسلحه معمولاً از طریق بنادر بین‌بناشو، سانتاندر، والنسیا و بارسلنا بارگیری می‌شوند. تنها از بند بارسلنا طی ماههای گذشته ۸ کشتی عازم آبهای خلیج شده‌اند... اکنون این جنگ در لحظات حساسی پیش می‌رود زیرا خطر بین‌المللی شدن آن وجود دارد. آمریکا تعداد کشتی‌های جنگی خود را در خلیج فارس افزایش داده است. هر حادثه‌ای می‌تواند نتایج تاسف‌باری را پدیدآورد داشته باشد."

در این گروهی دو هنرمند مترقی اسپانیایی "الیاسرنا" و "خولیالئون" با اجرای ترانه‌هایی مراتب همبستگی جامعه هنرمندان اسپانیا و آمریکای لاتین را با خلقهای ایران در راه مبارزه برای صلح آزادی و دموکراسی اعلام داشتند. "آیندیوخوان" دوست ارجمند خلقهای ایران و شاعر برجسته آرژانتینی مجری برنامه بود و با دکلمه اشعاری از خود به شکره چشم می‌افزود.

گروهی یادی شده در میان ابراز احساسات پرشور شرکت‌کنندگان در همبستگی با یکبار مردم ما پایان یافت.



در جشن ارگان مرکزی

حزب کمونیست اسپانیا:

به جنگ و اختناق در ایران پایان دهید!

مطابق سنت هر ساله در روزهای ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ ژوئن جشن سالیانه نشریه "موندو ابرو" (دنیای کارگر) ارگان مرکزی حزب کمونیست اسپانیا با حضور ۷۰ هیئت نمایندگی از احزاب کمونیست و کارگری و نهضت‌های راهی‌بخش جهان در مادرید برگزار شد.

به دعوت حزب کمونیست اسپانیا فداییان خلق در این جشن شرکت کردند و به افشای سیاستهای چنایتکارانه رژیم خمینی در زمینه ادامه جنگ و سرکوب نیروهای ترقیخواه و نقض ابتدایی‌ترین اصول حقوق شناخته شده بشری پرداختند.

در دومین روز این جشن از سوی حزب کمونیست اسپانیا میتینگی در همبستگی با خلق‌های خاورمیانه منجمله، ایران برپا گردید. شرکت‌کنندگان در این میتینگ خواهان پایان دادن به جنگ و آزادی زندانیان سیاسی ایران شدند.

فداییان خلق در اسپانیا طی پیامی به این مراسم از همه نیروهای ترقیخواه خواستند فشرده‌تر و پرتوان‌تر دست در دست نیروهای مبارز ایرانی گذاشته، برای برقراری صلح میان ایران و عراق و نجات جان زندانیان سیاسی کشور ما مبارزه کنند.

امسال شعار مرکزی جشن ارگان مرکزی حزب کمونیست اسپانیا، هرچه نیرومندتر کردن جبهه متحد چپ در اسپانیا بود.

کتاب‌های مالی رسیده

کتاب مالی به خانواده زندانیان سیاسی ایران از آلمان فدرال ۱۰۰ مارک
"نینا" از ترکیه ۱۵۰۰ لیر
"اولدوز" از ترکیه ۲ دلار و ۶۰۰ لیر
س. الف از هلند ۱۵ کیلین
"ک" از لندن ۲۰ پوند
گروه رضی "ری پندان" از آلمان ۱۵۰۰ کرون

۱۶ - انجمن دمکراتیک سراسری زنان هند

پلژیک

۱۷ - حزب کمونیست بلژیک
۱۸ - رئیس جنبش ضد نژادپرستی بلژیک
۱۹ - سازمان جوانان حزب کمونیست بلژیک
۲۰ - جنبش جوانان کمونیست بلژیک
۲۱ - حزب سوسیالیست شیلی - داتمارک
۲۲ - اتحادیه دانشجویان عرب - هر وکل
۲۳ - زنان بکر، رئیس کمیته اروپایی آمریکای لاتین

جهان در همبستگی با ما

بقیه از صفحه اول

۱۱ - رابیندرارای روی، رئیس و نکتشی نارایان، دبیرکل فدراسیون سراسری دانشجویان هند
۱۲ - وینودچین، دبیر لیک سراسری جوانان هند
۱۳ - نیویتال پاسو، دبیر فدراسیون دانشجویان هند
۱۴ - دبیر سازمان جوانان حزب لوکدال
۱۵ - فدراسیون ملی زنان هند

درباره تئوری و نقد مارکسیستی مذهب

از صفحه آخر

غیر علمی است، ارزیابی و محکوم می‌کند.

اما مارکس در "مقدمه" خود به وضوح نشان داد که از سطح آموزش بورژوازی در باره آرمانها فراتر خواهد رفت. او مذهب را بمثابة ایدئولوژی بررسی می‌کند، اما نه مانند تئوریهای بورژوازی درباره آرمان خواهی... "مقدمه" نامبرده نشانگر آن است که مارکس برای پیدایش مذهب، دلایلی جدی و عینی قائل بود. یک اسقف کلیسای انگلیس از مذهب بمثابة افیونی برای خلق سخن رانده بود. مارکس این فرمولندی را به "افیون خلق" تغییر داد تا بر مبنای آن، پیش‌ترود و این پرسش را طرح کند که چرا خلق به چنین افیونی نیاز داشت. بدین ترتیب از آنجا که بر مبنای اینگونه برخورد، روشن گردید که مذهب ریشه در پدیده‌های اجتماعی دارد، مارکس به نقد جامعه بعنوان مبنای نقد علمی مذهب رسید.

اما بگذارید کل مطلبی را که تا اینجا به تفسیر آن پرداختیم، یک بار در بیرون بیاوریم. "پایه نقد غیر مذهبی این است، انسان مذهب را می‌سازد... اما انسان، موجودی مجرد و خارج از جهان نشسته نیست. انسان یعنی جهان انسان." این جهان، مذهب را که آگاهی‌آورنده درباره جهان است ایجاد می‌کند، زیرا خود جهانی وارونه است. "مذهب، یک تئوری عمومی درباره این جهان... تقدیس اخلاقی آن، تکمیل بر مطلق آن و پایه اساسی توجیه آن و دلاری دادن به انسانهاست. مذهب، تحقق خیالی ماهیت وجود انسانی است، چرا که وجود انسانی بطور واقعی تحقق نمی‌یابد. بنابراین این مبارزه علیه مذهب، بطور مستقیم مبارزه علیه آن جهانی است که مذهب، چاشنی ذهنی آن است. فقر مذهبی، از یک سو نشانه فقر واقعی، و از سوی دیگر اعتراض به فقر واقعی است. مذهب، ناله وجودی سرکوب شده، روح جهان سنگدل و ذهنیت شرایط فقر ذهنی است. مذهب، افیون خلق است.

محو مذهب به مقابله سعادت وهم آمیز خلق، ضرورت سعادت واقعی اوست. ضرورت زدودن توهم در باره شرایط زندگی خلق، ضرورت زدودن شرایطی است که نیازمند توهم است. پس نقد مذهب، در هسته خود نقد جهانی است که مذهب، توجیه و تقدیس آن است. نقد مذهب انسان را از مذهب سرخورده می‌سازد تا انسان بیندیشد، عمل کند و به واقعیت شکل دهد... پس این وظیفه تاریخ است که به دنبال محو ماورای آنچه حقیقی است، حقیقت آنچه زمینی است را تثبیت کند... بدین ترتیب نقد آسمان به نقد زمین تبدیل می‌گردد... (۱)

۲- علیه محدود کردن نقد مارکس از مذهب به "مقدمه" ۱۸۴۳

آثاری که بلافاصله پس از مقدمه مژبور نوشته شد، چه آثار چاپ شده و چه دستنویس‌ها (حداقل می‌توانیم از "خانواده مقدس"، "یاداشتهای اقتصادی - فلسفی" و "ایدئولوژی آلمانی" شامل "نزهای فویرباخ" نام بهریم) حاوی عناصری مهم و پیش‌برنده در تئوری و نقد مارکسیستی مذهب هستند. مارکس در "یاداشتهای اقتصادی - فلسفی" ۴۴-۱۸۴۳، این تئوری را که مذهب شکل مسخ شده و نادرست بازتاب واقعیت در ذهن است، تعمیق می‌بخشد. در شرایط مالکیت خصوصی هر ابزار تولید و تقسیم کار اجتماعی، آنچه بر فعالیت مولد و خلاق تولید کننده مستقیم و ثمره آن می‌گذرد، بدین ترتیب است، کارگر، توانایی، دانش، خصوصیات و هستی خود را به محصولات فعالیت خویش سرریز می‌کند. اما تقسیم کار در تولید، باعث می‌شود که او نتواند هیچ محصول کار را ساخته خود بداند. از این هم فراتر، محصول توسط مالک ابزار تولید تصاحب می‌شود. چنان‌که کارگر از توانایی‌های انسانی خلاقش در پروسه کار و ظهور این توانایی‌ها در محصول کار بدین ترتیب به از خود بیگانگی کارگر در مقابل کار خود و محصول آن تبدیل می‌شود. آنچه او، کارگر، ساخته است، در بازار به مثابه کالای سرمایه دار که او، کارگر را تحت سلطه خود می‌گیرد، در برابرش ظاهر می‌شود. این پدیده شبیه پدیده‌ای است که در ساختن بنت یا جسم پرستیدنی دیگری توسط انسانهای بدوی دیده می‌شود، این انسانها متعاقب می‌شوند که تحت سلطه حاصل فعالیت خودشان، یعنی بنت، قرار دارند. هم از این رو است که مارکس، بعدها در "سرمایه" این روند و وضعیت را دیگر نه از خود بیگانگی، بلکه فیتیشیم کالایی نامید. (۲)

بدین ترتیب، مارکس مکانیزم بسیار مهمی را در پیدایش اینگونه اشکال ذهنیت، کشف کرد. در شرایطی که نام بردیم، آنچه مرتباً رخ می‌دهد، وارونه شدن عجیب تصورات انسانها در باره شرایط واقعی زندگی اجتماعی‌شان، وارونه شدن عجیب رابطه میان علت و معلول است. مارکس در "یاداشتهای" خود در این باره می‌نویسد که فاعل، به عنصر منفعل تبدیل می‌شود. بگذارید برای روشن شدن مسئله، مثالهای شناخته شده‌ای ذکر کنیم، در آلمان فدرال چه شماری از مردم دیگر تناقض در کار برد معلول مفاهیم کارفرما و کاپدیر را احساس نمی‌کنند؟ در حقیقت چه کسی است که به دیگری نان می‌دهد؟ چه کسی در حقیقت تامین کننده نان و کار است؟ کارگران به سادگی می‌توانند بدون سرمایه داران زندگی کنند، اما

در مرحله معینی از بحث میان مارکسیست‌ها و مسیحیان، برخی تئوریسین‌ها که بعداً مارکسیسم را کنار گذاشتند، مانند روزه کارودی، ادعای کردند که باید کل گنجینه تئوری و نقد مارکسیستی مذهب را نمایانند و با ساده‌کردن‌های دکماتیک "آن" مقابله کرد. آنان چنین انگلیز کردند که گویا از دیدگاه مارکس و انگلس، مذهب بسیار پیش از آنکه شکلی از بازتاب نادرست واقعیت در ذهن باشد، گونه‌ای از اعتراض اجتماعی است. آنها بدین منظور، تئوری و نقد مارکسیستی مذهب را تقریباً تنها به احکام مندرج در اثر ۱۸۴۲ مارکس بنام "درباره نقد فلسفه حق هگل - مقدمه" البته با تعبیر نادرست خودشان - و نیز به بخشهای معینی از "جنگ دهقانی آلمان" اثر انگلس در سال ۱۸۵۰ محدود می‌کردند.

۱- موضوع مارکس در فیهال نقد مذهب در عصر روشنگری

نمی‌توان هیچ یک از مطالبی را که مارکس و انگلس در دواثر نامبرده نوشته‌اند، منتفی دانست. اما این دواثر برای ارائه کل گنجینه تئوری و نقد مارکسیستی مذهب کافی نیستند. نخست باید گوشزد کرد که تئوری و نقد مارکس درباره مذهب پیش از اثر نامبرده آغاز شد. مارکس در آغاز به تصریح خود - البته با دیدی انتقادی - در موضع نقد بورژوازی - روشنگرانه مذهب قرار داشت و بر خصلت ایدئولوژیکی مذهب انگشت می‌گذاشت. علاوه بر این، مارکس اندیشه تدوین شده از سوی فلاسفه قدیم یونان و فویرباخ را پذیرفته و بر این باور بود که این خدا نیست که انسان را مطابق با اصل خود آفریده، بلکه انسان خدا یان را بر این اصل خویش ساخته و خدایان، آفریده انسانها یند.

بنابراین، مارکس نیز خصلت انسان وار بودن مذهب را می‌پذیرد، اما بلافاصله - در همان اثر "مقدمه" - مژبور را با این مسئله همراه می‌سازد که این چه انسانهایی بودند که مذهب را ایجاد کردند و چرا چنین کردند. مارکس بدین پرسش، چنین پاسخ می‌دهد: انسانها از این رو مذهب را ساختند که شرایط اجتماعی‌شان غیر انسانی است. مذهب، تحقق خیالی ماهیت وجود انسانی است، چرا که تحقق واقعی و دنیوی این ماهیت، امکان ناپذیر می‌نماید. علت این امر آن است که سطح تکامل اجتماعی هنوز مانع شناخت همه جانبه و از این طریق تسلط بر شرایط زندگی انسان است، شرایطی که هنوز فقر ذهنی بر آن حکم فرماست. و اما مذهب، ذهنیت این فقر ذهنی است. برخلاف آنچه روشنگران بورژوازی گمان می‌کردند، نه مبارزه علیه مذهب، بلکه مبارزه علیه آن شرایطی که به گونه‌ای اجتناب ناپذیر به شکل‌گیری مذهب می‌انجامد، وظیفه اصلی است. باید از نقد مذهب پیش‌تر رفت و به نقد جامعه رسید.

با اینکه مارکس بدین ترتیب از سطح روشنگری بورژوازی کام مهمی فراتر نهاد و فویرباخ را نیز پشت سر گذاشت، ناکافی خواهد بود اگر نقد مارکسیستی مذهب را بدین بخش از نوشته مارکس که بدون تردید بسیار مهم است، محدود کنیم. مارکس، زمانی که این بخش را می‌نوشت، هنوز در اوج ستایش خود از فویرباخ بود و مطالعه اقتصادی سیاسی را آغاز نکرده بود. آنچه مارکس را به مطالعه اقتصادی سیاسی ترغیب کرد، تأثیر نوشته‌ای از انگلس جوان بود که بطور همزمان و در همان شماره "سالنامه‌های آلمانی - فرانسوی" انتشار یافت که "مقدمه مارکس در آن چاپ شده بود. هنگامی که این نقد مذهب نوشته شد، مارکس و انگلس درست در گذار از دیکراسی انقلابی به کمونیسم بودند.

با این حال، در همین "مقدمه" مارکس نیز اساسی‌ترین وجوه تمایز تئوری و نقد مارکسیستی مذهب از روشنگری بورژوازی نمایان می‌گردد. مارکس، تحت تأثیر دیالکتیک هگل و درک تاریخی شگرف خود حاضر نیست دو وجه متضاد را به صورت دو قطب در آورد و مقلدا در قرون وسطی تنها تاریکی و در سرمایه‌داری تنها روشنایی را ببیند. مارکس، بدون آنکه در شناخت اهمیت پیشرفت تاریخی خطا کند، بدون آنکه چنان‌سرداری از انقلاب بورژوازی در مقابل فئودالیسم را رهاسازد، در همین "مقدمه" به مسئله تجزیه طبقاتی، از جمله تجزیه طبقاتی جامعه بورژوازی نزدیک می‌شود، عامل محرکه اجتماعی در درون این مرحله مشخص از تکامل جامعه را جستجو می‌کند و در آستانه کشف رسالت تاریخی طبقه کارگر قرار می‌گیرد. با این حال، هنوز تئوری طبقات، مبارزه طبقاتی و انقلاب تدوین نشده بود.

در آن زمان هنوز آموزش مارکس درباره ایدئولوژی تحت‌تأثیر تئوری بورژوازی - روشنگرانه آرمانها قرار داشت. مارکس هنوز ایدئولوژی را به وضوح در رابطه طبقاتی آن نمی‌دید و از این رو به اندازه کافی آن را در پیوند با پدیده‌های دیگر و موشکافانه بررسی نمی‌کرد. این امر از تکیه گامهای انتقاد امروزی از مارکسیسم است که بطور صوری به سبک نقد بورژوازی - روشنگرانه ایدئولوژی برخورد می‌کند، اما در محتوی نه طبق سنت ترقیخواهان آن علیه فئودالیسم ارتجاعی، علیه سرمایه‌داری ارتجاعی شده بلکه علیه مارکسیسم انقلابی موضع می‌گیرد و مارکسیسم را به مثابه پدیده‌ای که گویا به علت ایدئولوژیکی بودن،

درباره تئوری و...

سرمایه داران بدون کارگران قادر به زندگی نیستند. و یا مثالی دیگر، چه تعدادی از مردم برای پول، اگر به اندازه کافی موجود باشد، نیروی اسرار آمیز قایلند که با آن می‌توان پول بیشتری ساخت؟ و یا چه شماری از انسانها می‌دانند که چنگهدار تحلیل‌ناهایی ریشه در انگیزه‌های مادی و اقتصادی دارند و نه در یک قانون طبیعی، نه در میل به تهاجمی که گویا خصلت ماهوی انسان است؟ در هر حال بر زمینه‌ای از نا آگاهی اینچنین درباره مهمترین شرایط زندگی اجتماعی ما، بر زمینه نظامی که قوانین اقتصادی هرچ و مرج ساز آن هر گونه برنامه‌ریزی را ناکام می‌سازند (به مصداق ضرب المثل آلمانی "انسان می‌اندیشد، اما رشته کارها دست خداست")، بطور اجتناب‌ناپذیر احساس ضعف، بی‌منطقی و وارونه دیدن همه شرایط واقعی شکل می‌گیرد. دقیقاً همین است که یکی از ریشه‌های اجتماعی ایجاد احساسات و اندیشه‌های مذهبی است.

مارکس در این "یادداشتها" به یک رشته از سایر مسائل مربوط به مذهب می‌پردازد و بعنوان نمونه، با اثبات پلطان تصورات مذهبی در باره آفرینش، در عرصه شناخت دلایلی برای جان سخت بودن این تصورات نشان می‌دهد.

در "خانواده مقدس"، نخستین اثری که مارکس و انگلس به اتفاق هم نوشتند و اندکی پس از "یادداشتها" نگاشته شد، مارکس و انگلس نشان می‌دهند که نقد مکتب خود بطور غیر مستقیم نقد مذهب محسوب می‌گردد، زیرا فلسفه مکتب، بازتاب برجسته شیوه مذهبیون، یعنی مقابل هم قرار دادن خدا و جهان است. (۲)

مارکس و انگلس، پیوند میان سیاست انقلابی-بورژوازی و نقد ماتریالیستی مذهب را برقرار ساخته، نشان می‌دهند که سوسیالیسم تخیلی، که بنوبه خود از مهمترین منابع فکری مارکسیسم گردید، بر نقد ماتریالیستی مذهب استوار است. "انسان الزاماً نباید از نیز هوشی بسیار برخوردار باشد تا از آموزشهای ماتریالیسم در باره نیک‌سرشتی اولیه و استعداد فکری برابر انسانها، درباره قدرت بی‌حد و حصر تجربه، عادت و تربیت و با تاثیر شرایط خارجی بر انسان، اهمیت زیاد صنعت، حق لذت بردن از زندگی و غیره، رابطه ضروری آن را با کمونیسم و سوسیالیسم در یابد. اگر انسان، از جهان حواس و از تجربه خود در جهان حواس است که هرچه شناخت و تجارب و غیره دارد، می‌گیرد، پس باید جهان محسوس را از جهان ساختگی انسان در آن، آنچه را که واقعاً انسانی است تجربه و بدین عادت کند، که انسان خود را بعنوان انسان دریابد.

اگر مصلحت واقعی، اساس هرگونه اخلاق است، پس باید منفعت شخصی انسان بر منفعت انسانی منطبق باشد. اگر انسان، دستخوش جبر به مفهوم ماتریالیستی آن است، یعنی به عبارت دیگر صاحب اختیار است - اختیاری به معنای نیروی منفی اجتناب از این یا آن کار، بلکه به معنای قدرت اثباتی به تحقق رساندن فردیت واقعی خود - پس نباید کفاره جنایت را از فرد خواست، بلکه باید زادگاههای ضد اجتماعی جنایت را نابود و همگان را از حیطه اجتماعی لازم برای شکوفان شدن زندگی برخوردار کرد. اگر انسان را شرایط می‌سازد پس باید شرایط را انسانی ساخت. اگر انسان بنا بر طبیعت خود، اجتماعی است، پس تنها در جامعه است که طبیعت واقعی خود را تکامل می‌بخشد، و توان طبیعت او را نه در قدرت فرد جداگانه، بلکه در قدرت جامعه باید سنجید. (۴)

در آثار ماتریالیستهای فرانسوی نیز تقریباً کلمه به کلمه همین حملات دیده می‌شود. مارکس می‌افزاید که نمی‌خواهد در اثر نامبرده خود، به ارزیابی این نظرات بپردازد، بلکه تنها قصد دارد گرایش سوسیالیستی این ماتریالیسم را نشان دهد.

"فرهنگ اساس اندیشه خود را مستقیماً بر آموزش ماتریالیستهای فرانسوی استوار می‌سازد. با پیوستن آموزش ماتریالیستهای خام و بی‌تمدن بودند، اما کمونیسم پیشرفته نیز مستقیماً از ماتریالیسم فرانسوی ریشه می‌گیرد." (۵)

در "ایدئولوژی آلمانی" نخستین کوشش برای تدوین برداشت ماتریالیستی از تاریخ به عمل می‌آید. در این رابطه، تئوری و نقد مذهب با هم تکامل می‌یابد. نشان داده می‌شود که مذهب، جزئی از روینمای ایدئولوژیک سیاسی است، و برخی دیگر از ریشه‌های آن در عرصه شناخت، کشف می‌گردد. مارکس و انگلس خاطر نشان می‌سازند که شعور فردی، می‌تواند حرکت خود را از سه نقطه آغاز کند، رابطه فرد با طبیعت، روابط افراد با یکدیگر، نظرات فرد درباره اجزای متشکله وجود خود. هر یک از این روابط، می‌تواند یکی از ریشه‌های احساسی تصورات مذهبی باشد.

در هر سه نوع رابطه نامبرده، امکان دارد که عناصری مهم، به نظر انسان ناروشن، مرموز، اسرارآمیز، مسلط بر وجود انسان و روند زندگی او و چیره بر وجود او بنمایند. نیاز به پناهجویی مذهبی نیز ریشه در همین دارد و در ارتباط با رابطه غیر علمی و نیز خود محور بینانه انسان با شرایط طبیعی موجودیت او است. مارکس و انگلس همچنین می‌افزایند که یک ریشه دیگر مذهب را در عرصه شناخت، مطلق کردن روح فرد واقعی که وابسته به موجودیت مادی فرد است، و ساختن و پروداختن روحی مستقل و دارای موجودیت عینی، تشکیل می‌دهد.

بدیهی است ریشه‌های شناختی نامبرده و موثر در شکل‌گیری احساسات و افکار مذهبی، پیش از پیدایش طبقات و مبارزات طبقاتی بوجود آمده‌اند. بدین

ترتیب، مذهب دارای ریشه‌هایی است که پیش از جامعه طبقاتی ایجاد شده‌اند. بنابراین، در حالیکه پیدایش احساسات مذهبی، دلایلی دارد که در آغاز، ربطی به ایجاد جامعه طبقاتی ندارند، با پیدایش جامعه طبقاتی، محرکهای اجتماعی برای تثبیت مذهب و نهادی شدن آن شکل می‌گیرند. آنچه قابل مشاهده است، اینست که مذهب به دلایل برخی خواص معین خود، نسبتاً به‌سادگی در خدمت اهداف محافظه‌کارانه و حتی ارتجاعی قرار می‌گیرد.

۳ - دلایلی در تثبیت خصلت اجتماعی مذهب

چرا چنین است؟ این امر در وهله اول به شکل‌گیری تقسیم اجتماعی کار مربوط است که مارکس و انگلس در همان "ایدئولوژی آلمانی" مختصراً بدان پرداخته‌اند. تقسیم کار به کاریدی و کار فکری، همراه با قرار گرفتن روحانیون در زمره کارکنان فکری و کره خوردن کار فکری با طبقه فوقانی، نهادهای مذهب و کارگران آن را با طبقات حاکم پیوند می‌دهد.

از این امر، این نتیجه عاید می‌گردد که جنبه‌های ارتجاعی، و با حداقل محافظه‌کارانه نهادهای مذهبی، تا محو تقسیم کار و تجزیه طبقاتی نامبرده، به وجود خود ادامه خواهند داد.

اما علاوه بر این، حداقل یک علت دیگر نیز که ریشه در علت نخست دارد، بر این دلالت دارد که خود مذهب، و نه تنها شکل‌های شده آن، می‌تواند به‌سادگی مورد استفاده محافظه‌کارانه و یا حتی ارتجاعی قرار گیرد. قائل شدن ارزش برتر برای عنصر معنوی در مقابل عنصر مادی و واقعی که ناشی از تقسیم کار نامبرده در بالاست، در خدمت توجیه و لاپوشانی فلاکت زمینی با اشاره به اصول اخروی - معنوی والاتر و غیره، قرار می‌گیرد.

نتیجه آنکه اولاً نمی‌توان از خصلت اولیه به لحاظ طبقاتی بی‌طرف مذهب سخن گفت. همیشه باید در پی یافتن این بود که کدام نیروهای اجتماعی با کدام اهداف، مذهب را به کار می‌گیرند.

از این رو است که مذهب برای معکوس کردن سنت جنبش‌های اجتماعی انقلابی مورد استفاده قرار گرفته است. چنین به انحراف کشاندنی، می‌تواند افسانه‌سرایي درباره بهشتی باشد که در آغاز وجود داشت و از دست رفته و دیگر در این دنیا دست یافتنی نیست.

اما همین‌جا، محرکهایی نیز وجود دارند که علیه سو استفاده از مذهب عمل کرده‌اند، "وقتی آدم شخم می‌زد و حواش ریزی می‌کرد، اشراف کجا بودند؟" این جمله معروف (در جنبش دهقانی) نمونه بارز استفاده آگاهانه از مذهب در استدلال تاریخی است.

اما این جنبش اجتماعی انقلابی، ریشه در یک ایده و یا ضد ایده، ریشه در مذهب ندارد. مارکس از سال ۱۸۴۲ به بعد همواره تأکید کرده است در ورای مناقشات مذهبی، مبارزات طبقاتی عمل کرده‌اند. ماتریالیسم مارکسیستی، به حق بر اولویت مناسبات مادی و نه ایدئولوژیک، تأکید می‌کند.

با تبیین خصلت روینمایی مذهب، ضرورت ترسیم دقیق‌تر کارکرد مذهب در چارچوب این روینما مطرح گردید. مارکس در سال ۱۸۴۷، هنگامی که "اصول اجتماعی" مسیحیت را به‌رسمانه به نقد تاریخی کشید، بدین وظیفه پاسخ داد، "اصول اجتماعی مسیحیت تاکنون برای تکامل خویش هجده قرن فرصت داشته‌اند و دیگر ضرورتی برای ادامه تکامل آنها وجود ندارد..."

اصول اجتماعی مسیحیت، برده‌داری دوران باستان را توجیه و نظام رعیتی قرون وسطایی را تقدیس کرده‌اند و در ضرورت لزوم، قادرند از ستم پرور و لوارها، اگر چه با چهره‌ای مغموم، دفاع کنند.

اصول اجتماعی مسیحیت، ضرورت وجود طبقات حاکم و محکوم را موعظه می‌کنند و برای طبقه محکوم، تنها این آرزوی مومنانه را دارند که طبقه حاکم، نیکوکاری پیشه کند.

اصول اجتماعی مسیحیت، ... جبران همه ناسامانیها را به آسمان ارجاع می‌دهند و بدین گونه، ادامه حیات این ناسامانیها بر روی زمین را توجیه می‌کنند. اصول اجتماعی مسیحیت، همه پستی‌های ستمگران علیه ستمکشان را با کيفر عادلانه گناهان به ارث رسیده و سایر گناهان می‌مانند و یا آزمونی که پروردگار مطابق با درایت نامحدودش، بر ستمکاران روا می‌دارد.

اصول اجتماعی مسیحیت، موعظه گر چنین، فقدان اعتماد به نفس، حقارت، چاکرمنشی، خاکساری و بطور خلاصه همه خصوصیات حلقه پوکشان است. اما پرولتاریا که نمی‌خواهد حلقه پوکش باشد، به شجاعت خود، به اعتماد به نفس خود، به غرور خود و به احساس استقلال خود از زمان شب هم محتاج تر است. (۶)

اصول اجتماعی مسیحیت، منادی زبونی‌اند. اما پرولتاریا، انقلابی است. به عبارت دیگر، مارکس و انگلس، کارکرد طبقاتی مذهب را در این می‌دیدند که با ابزارهای ایدئولوژیک، برای طبقات حاکم آنچه را با استفاده از قهر عریان دست‌یافتنی نیست، تحقق‌پذیر سازد. شعوری به گمراه رفته، می‌بایست زحمتکشان را گمراه سازد و از مبارزه برحذر دارد، امید پستن به آخرت، قربانیان استثمار و ستم را صبر بخشد.

"مانیفست حزب کمونیست"، تبیین تئوریک مسئله مذهب را پیش‌تر می‌برد، مخالفان مسیحی مارکسیسم و فلاسفه ایده‌آلیست به مارکسیستها خرده

درباره تمایز میان طبیعت پیرامونش و خود او، وجود نداشت. تنها در مرحله بسیار عالی تری از تکامل اجتماعی در چارچوب جامعه اولیه بود که چیزی شبیه به آگاهی درباره عدم یگانگی کامل انسان و طبیعت پدیدار شد. تنها در این مرحله بود که بشر توانست با اشیا و پدیده‌های خارج از خود، وارد مناسبات "آگاهانه" شود. پیش از آن، نه اشکال مذهبی و نه اشکال علمی "بازتاب‌های ذهنی" نمی‌توانست وجود داشته باشد.

با ایجاد شرایط برقراری روابط آگاهانه با محیط پیرامون، نخست طبیعت نیرومندتر، قدرتی اسرارآمیز قلمداد گردید که می‌بایست با خواست و تمنا، قربانی دادن و اعمال دعاگونه آن راه خدمت بشر گرفت. آئین‌های طبیعی ایجاد شدند. خودنگری انسان و پدیده‌های رویا و خلسه مانند، احتمالاً منبهای برای شکل‌گیری تصورات درباره روح بوده‌اند. قوای قهریه طبیعت، بگونه‌ای انسان‌واره، زنده و دارای روح به‌تصویر می‌آیند. شاید برق، باد، آتش و آب نیز همانگونه که ما با قصد عمل می‌کنیم، "عمل" می‌کنند. روشن است که تصورات مذهبی شکل گرفته بر این پایه ریشه در شناخت ناکافی از طبیعت دارد. (۸)

اینجاست که با شکل‌گیری جامعه طبقاتی، عامل مهم نوینی اضافه می‌شود. استثمارگران و استثمارکنندگان، در این ذی‌نفعند که برای موقعیت ممتاز خود، توجیه مذهبی بترانند. آنها بدین منظور، اصل و نسب خود را تاحیطه مذهبی امتداد می‌دادند، قدرتمندان، فرزندان خدایان شدند. حکومت، از محرکی مذهبی برخوردار می‌گردد، و انقلاب به جنبش علیه مذهب تبدیل می‌گردد. مناسبات موجود اجتماعی، با رجعت دادن به خلقت و حکمت آفرینش توجیه می‌شدند، و خواست خلق برای آزادی، در بهترین حالت، مسخ شده و به انتظار کشیدن برای آخرت تبدیل می‌شد. بدین‌گونه، شرایط مختلفی باعث شدند که باور به نیروهای مذهبی، از ریشه‌های عمیق ذهنی و اجتماعی برخوردار شد و تکامل یافت.

۵- تولید کالایی، سرمایه داری و مذهب

با پیدایش تولید کالایی، بر ریشه‌های اجتماعی مذهب افزوده می‌گردد. تولید کالایی، به پیدایش پدیده‌هایی به مثبتهی درجه "الهی" می‌انجامد. تحلیل کالا، نشانگر آن است که کالا، شیئی بسیار ناپاکاری است، "پراز زیرکی‌های متافیزیکی و حقه‌های الهی".

ناچایی که کالا، ارزش مصرف است، هیچ چیز معنایی در آن وجود ندارد، خواه از این نقطه نظر که با خواص خود، نیازهای بشری را ارضا می‌کند و خواه از این زاویه که بدین خواص تنها به مثابه محصول کار انسانی می‌رسد، "کاملاً روشن است که بشر با فعالیت خود، اشکال مواد طبیعی را به گونه‌ای که برای خود او مفید است، تغییر می‌دهد." (۹)

با این حال، کالا خصلتی مرموز به خود می‌گیرد. با اینکه کالا، چیزی جز محصول کار مفید انسانی نیست، اما مانند غول معروف چراغ جادو، به ارباب ما، به ارباب خالق خود تبدیل می‌شود. چگونه این امر بوقوع می‌پیوندد؟ "تساوی کارهای انسانی، شکل واقعی برابری بین شیئیت ارزشی محصولات کار به خود می‌گیرد و اندازه‌گیری مصرف نیروی کار انسانی بوسیله زمان، صورت مقدار ارزشی محصولات کار را می‌یابد. و بالاخره، مناسبات تولیدکنندگان که بر طبق آن، هدف اجتماعی کارهای آنان معلوم می‌گردد، به شکل رابطه اجتماعی محصولات کار درمی‌آید.

پس صفت اسرارآمیز شکل کالا فقط در این کیفیت است که شکل مرموز، خصلت اجتماعی کار بشر را در نظر انسان به شکل صفت مادی محصولات کار و خواص اجتماعی ذاتی خود این اشیا، منعکس می‌سازد، و به همین جهت نیز رابطه اجتماعی تولیدکنندگان را با مجموع کار به صورت یک رابطه اجتماعی که خارج از ایشان و بین خود اشیا وجود دارد، نمایش می‌دهد. با این چشم‌پندی است که محصولات کار بدل به کالا می‌شوند و در عین محسوس بودن، غیر ملموس می‌گردند یعنی به صورت اشیا اجتماعی درمی‌آیند." (۱۰) هر گاه ما با چشمیای خود و با استفاده از طبیعت نور، به جهان پیرامون خود نگاه کنیم، آنچه در واقع روی می‌دهد، این است که نور از یک شیئی، یعنی جسم خارجی، به شیئی دیگر، یعنی چشم، می‌تابد. این، یک رابطه فیزیکی بین اشیا فیزیکی است. "اما برعکس، شکل کالا و رابطه ارزش محصولات کار، به هیچ وجه دخلی به ماهیت فیزیکی آنها و ارتباطات شیئی‌ای و خارجی‌ای که از آن ناشی می‌گردد، ندارد. تنها رابطه اجتماعی مشخص خود انسانهاست که در این مورد به شکل وهم آمیز، رابطه بین اشیا جلوه می‌کند. برای بافتن نظیر این مورد، باید در مناطق مه‌آلود جهان مذهبی به پرواز درآییم. آنجا نیز چنین به نظر می‌آید که محصولات دماغ انسانی زندگی خاصی یافته، همچون چهره‌های مستقلی بین خود و با انسان در رابطه قرار گرفته‌اند." (۱۱)

در جهان کالاها که به دست خود ساخته شده است نیز چنین است، محصولات کار ما با خود نوعی خصوصیت فیتیسی (بنت‌گونه) یکدک می‌کنند که به محض تولید آنها به مثابه کالا، ایجاد می‌گردد. این خصلت فیتیسی، از تولید کالایی جدایی‌ناپذیر است.

"این فیتیسیسم جهان کالا از خاصیت اجتماعی مخصوص کارناشی می‌گردد که خود مولد کالاست..." (۱۲)

نامفهوم بودن مناسبات اجتماعی‌ای که در چارچوب آن، اشیا مانند انسانها

می‌گرفتند که مذهب نمی‌تواند روپنایی باشد، چرا که نه تنها در سرمایه داری، بلکه در سایر نظامهای اجتماعی وجود دارد و از این رو از خصلت ابدی برخوردار است. مارکس و انگلس بدین خرده‌گیری چنین پاسخ می‌دادند: "این ادعا در چه چیز خلاصه می‌شود؟ سراسر تاریخ جامع تاکنون، در چارچوب تضادهای طبقاتی سیر کرده است که در عصرهای مختلف، اشکال مختلف به خود گرفته‌اند.

اما صرفنظر از هر شکلی که این تضادها به خود گرفته‌اند، استثماربخشی از جامعه توسط دیگری، وجه مشترک همه قرون گذشته بوده است. بنابراین، جای تعجب نیست که شعور اجتماعی همه قرون، علیرغم همه تنوع و گوناگونی آن، دارای برخی اشکال معین مشترک است، اشکال معینی از شعور که تنها با محور کامل تضاد طبقاتی از بین می‌روند.

انقلاب کمونیستی، ریشه‌ای‌ترین گسست از همه مناسبات به ارث رسیده مالکیت است. پس جای تعجب نیست که در روند تکامل این انقلاب، ریشه‌ای‌ترین گسست از افکار به ارث رسیده، صورت می‌پذیرد." (۷)

۴- درباره تغییر شکل تاریخی مذهب

می‌دانیم که مارکس و انگلس بعدها بر پایه تحقیقات تازه‌تر تاریخی، بی‌برندند که پیش از جامعه طبقاتی، جامعه کمونی و بی‌طبقه اولیه وجود داشته است. از این رو، همانگونه که خود نوشته‌اند، اصلاحی در "مانیفست کمونیستی" ضروری است، اصلاحی که به شکل و نه به محتوا استدلالی که نقل کردیم، مربوط می‌شود. آنچه در این استدلال مهم است، این اندیشه است که همه جوامع طبقاتی که در آنها استثمار و ستم وجود دارند، مستقل از تغییر شکل استثمار و ستم، باید ضرورتاً اشکال روپنایی ایدئولوژیک-سیاسی مناسب برای نظام استثمار و ستم را ایجاد کنند. یکی از این اشکال روپنا، مذهب بوده و هست.

بنابر این، اگر چه مذهب، در رابطه با هر جامعه معین طبقاتی، تغییر شکل معینی را از سر گذرانده است، بگونه‌ای که کاتولیسیسم سازمان یافته، مسیحیت دوران فئودالی تاریخ بشری و پروتستانیسم، مشخصه گذار مسیحیت به مرحله بورژوازی تکامل تاریخ است، اما در همه این نظامهای اجتماعی، خود مذهب، یعنی شکلی از بازتاب نادروست و واقعیت در ذهن با کارکرد ایدئولوژیک - اجتماعی نامبرده در بالا، عمومیت دارد. بدین ترتیب مذهب در هر مرحله از تکامل اجتماعی هم حاوی عناصر عام و هم دربرگیرنده عناصر خاص است.

مذهب، در جامعه طبقاتی تحول می‌یابد و اشکال مشخص بروز آن، بر زمینه مبارزات طبقات استوار است. این، بدان معنی است که نه تنها طبقات استثمارگر و استثمارکننده، بلکه همچنین طبقات انقلابی، ناچایی که از برابری مذهب سود جستند، در شکل دادن به محتوای مذهب، سهم بوده‌اند. از این رو، مذهب مسیحی به علت دوران اولیه‌اش که به میزان زیادی مذهب بردگان و تبه‌دستان بود، از لحاظ محتوای علاوه بر مهر و نشان، نهادهای فئودالی که بر خود دارد، برخی آرزوهای امیدهای توده‌های برده را که زندگی پستی را جستجو می‌کردند، در برمی‌گیرد. اگر چه این عناصر محتوایی، بعدها مسخ شده و به صورت امید بستن به آخرت درآمد، اما همین عناصر پیوسته نقطه انگایی برای نیروهای مبارز انقلابی بوده است که اصطلاحات و شعارهای خود را از کتب مسیحی گرفته‌اند.

دهقانان انقلابی فرانسه، انگلیس، آلمان و روسیه، همگی پرنامه خود را بر پایه مطالبات عدالت‌جویانه و مواعید مساوات خواهانه اولیه مسیحی بیان می‌داشتند.

فریدریش انگلس، این نکته را بویژه در آثار خود پیرامون جنگ دهقانی آلمان و تاریخ دوران اولیه مسیحیت، به اندازه کافی به وضوح تشریح کرده است. کارودی و برخی دیگر، با علاقه زیادی به این بخشها از آثار فریدریش انگلس استناد کرده‌اند. اما آنها فراموش می‌کنند بیافزایند که پدیده‌های توصیف شده در این آثار، نه از ماهیت مذهب، بلکه از این واقعیت نشأت می‌گیرند که در جامعه طبقاتی، مذهب نمی‌تواند بدون از طبقات درگیر مبارزه و خواستهای آنها تحول یابد.

پس از آنکه ماهیت مذهب روشن شد، مارکس و انگلس در سالهای بعد وظیفه اصلی خود را در این می‌دیدند که ریشه تاریخی مذهب را از دیدگاه ماتریالیسم تاریخی دقیق تر توضیح دهند.

می‌دانیم که تئوری و جامعه‌شناسی بورژوازی مذهب و مدافعان مذهب همگی می‌کوشند چنین القا کنند که مذهب همواره وجود داشته و خواهد داشت، چرا که گویا ریشه در روشنی‌ترین هسته وجود انسان دارد. علاوه بر تغییر شکل تاریخی مذهب، دلایل دیگری نیز نادروستی این ادعا را اثبات می‌کنند.

احساس و اندیشه انسانهای اولیه، در آغاز صرفاً در چارچوب شعوری شکل می‌گرفت که متناسب با شرایط تولیدی تنگ، کوچک و از این رو "قابل فهم" و کاملاً روشن آنها بود. امکانی برای این وجود نداشت که این احساس و اندیشه ابتدایی بتواند از شعورلیات مستقیم خود رهاگشته و به محیط محسوس وسیع تری کام نهد. از این گذشته، جنگ بقا وقتی هم برای خیال‌پردازی و داستانسرای مذهب باقی نمی‌گذاشت. هر مناقشه‌ای میان منافع فردی و جمعی، کشنده بود، آن هم نه تنها برای فرد، بلکه برای کل قبیله که به تک‌تک اعضای خود نیاز داشت.

در آن زمان، بشر هنوز کاملاً با طبیعت یگانه بود و در او هیچگونه شعوری

در باره تئوری و ...

می‌تواند به صورت نوعی و لنگاری ایدئولوژیک بروز یابد، کاملاً به معنای گذار از مذهب مسیحی به سایر اشکال مذهب است. خرافات توده‌گیر، از خرافات شرکت‌کننده در بخت آزمایی‌های هفتگی گرفته تا توده‌خوانندگان نشریات فال، تنها اشکالی نیستند که می‌توان نام برد. یک شکل "علمی کردن" شعور توده‌ای، ایجاد مستقیم اشکال مذهب با پوشش شبه علمی است که هم اکنون شاهد آنیم ...

۸- راه زوال مذهب

مارکس و انگلس در آثار خود، شرایط زوال مذهب را به روشنی نشان داده‌اند. اگر به علت شناخت ناکافی از روابط طبیعی پدیده‌ها، از هراس از طبیعت که بدین‌گونه شکل می‌گیرد، از عدم شناخت کافی از چهره امروزی جهان، تصورات مذهبی ایجاد شده و یا به حیات خود ادامه می‌دهند، اگر ریشه این تصورات، شرایط جامعه طبقاتی، فقر اجتماعی، فحاشی اجتماعی، جنگ و استثمار است که به صورت پلایای چبری سرنوشت می‌نماید و گویا انسان نمی‌تواند از آن ببرد، اگر در این پدیده‌هاست که مذهب زمینه رواج خود را می‌یابد، اگر شرایط نامبرده تولید کالایی به مقیاس وسیع تمایلات مذهبی ایجاد می‌کند، اگر استثمارگران و استثمارکنندگان حاکم بنویسند خود در این ذی‌نفعند که نگذارند استثمار شکان و سرکوب شدگان به شناخت واقعی درباره علل پلایای رواج شده از سوی انسانها بر انسانها برسند، اگر طبقات حاکم هر آنچه در توان دارند به کار می‌گیرند تا مکانیزم را حفظ کنند که چنین القا می‌کند که گویا مصیبت‌ها و پلایای این دنیا را دنیای غیر واقعی و آخری جهان خواهد کرد، پس این همه ریشه‌های مذهب را تنها زمانی می‌توان از میان برداشت که به حیات جامعه طبقاتی پایان داده شود، که سرمایه‌داری، آخرین نظام اجتماعی مبنی بر استثمار و ستم انسان بر انسان، از میان برود. انسانها باید شرایط زندگی اجتماعی را واقعاً در دست خود بگیرند. منافع عمده زندگی یک ملت، باید از مالکیت خصوصی به مالکیت اجتماعی انتقال یابد ...

اما سرنوشت ریشه‌های فردی احساسات مذهبی چه خواهد شد؟ این ریشه‌ها نیز در نهایت، علل اجتماعی دارند. سوسیالیسم و کمونیسم، آنچه را جامع مبنی بر استثمار آفریده‌اند، از میان می‌برد، و آنچه را آن جامع قادر به ساختن آن نبودند، می‌سازد، و بدین‌گونه، راه منافع فردی و روحیات مذهبی را می‌بندد. سوسیالیسم و کمونیسم، رشد آزادانه همه استعدادها و واقعی شخصیت را امکان‌پذیر می‌سازد، به فرد کمک می‌کند که از خود محوری نشأت گرفته از مالکیت خصوصی بر منافع زندگی اجتماعی و از شرایط رقابت سرمایه‌داری، ببرد و از این طریق و همراه با ایجاد تصویری علمی از جهان امکان می‌دهد که انسان، رابطه‌ای طبیعی با وجود خود، و از جمله با مرگ و بیماری برقرار سازد. سوسیالیسم و کمونیسم برای فرد امکان واقعی تحقق هدف زندگی دنیوی او را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، سوسیالیسم و کمونیسم، اشکال جستجوی صوفی‌وار و غیر عقلایی هدف زندگی در آخرت را که اگر چه بصورت فردی، رنج‌بخند، اما در نهایت ریشه اجتماعی دارد، از میان می‌برد ...

مارکس و انگلس، مطابق با همین نظرات درباره ریشه‌های پیدایش مذهب ... به مقابله با تصورات آتارشیستی درباره اعمال قهر علیه مذهب برخاستند. مارکس و انگلس به دقت میان مبارزه فکری و مقابله استدلالی و عقلایی با همه اشکال باورو خرافات مذهبی از یک سو، و تصورات موجود در نظریات آتارشیستی و ماورا* چپ، مبنی بر اعمال قهر عریانی بر ای ناپودی مذهب، تفاوت قائل می‌شدند ...

اما تئوری و نقد مارکسیستی مذهب، تنها جنبه‌های "انکاری" نام برده در بالا را ندارد. باید بر این جنبه‌ها، ساختن و گسترش همه جانبه جهان‌بینی ماتریالیسم دیالکتیکی و ماتریالیسم تاریخی را افزود. تبیین مهمترین مسائل دیالکتیک طبیعت، جز "شوری پاسخ مثبت به پرسشهایی است که مذهب می‌کوشد به شیوه‌ای نادرست، به گونه‌ای صوفی‌گراانه و تخیلی پاسخ دهد، پرسشهایی که" مسایل نهایی جهان‌بینی" نامیده می‌شوند. دیالکتیک طبیعت، به چنین پرسشهایی، نظیر مسئله خلقت و وحدت جهان، پاسخ می‌دهد، این وحدت، در مادی بودن جهان، در غیرقابل خلق و غیرقابل محو بودن ماده و حرکت، در ذاتی بودن حرکت و تحول برای ماده است. یکی از ویژگیهای خلقت ضد مارکسیستی فلسفه نشریه "پراتیک" زاگرب، "مکتب فرانکفورت" و غیره، مبارزه آنها با دیالکتیک طبیعت است. این، از خصوصیات پایه ایده‌آلیستی این فلسفه است. از این رو، بحث انگلس درباره دیالکتیک طبیعت، و به طور کلی مبحث دیالکتیک طبیعت در جهان‌بینی مارکسیستی، بحث درباره موضوعی نیست که بطور کاملاً پیش‌اتفاقی، جزئی از مارکسیسم است، بلکه به مسئله اصلی خود جهان‌بینی مارکسیستی می‌پردازد ...

- ۱) کارل مارکس - فریدریش انگلس، مجموعه آثار به زبان آلمانی، ج ۱، ص ۲۷۸ به بعد.
 ۲) همانجا، ج ۲۲، ص ۸۶.
 ۳) همانجا، ج ۲۰، ص ۸۹.
 ۴) همانجا، ص ۱۱۸.
 ۵) همانجا، ص ۱۲۸ به بعد.
 ۶) همانجا، ج ۴۰، ص ۲۰۰.
 ۷) همانجا، ص ۴۸۰ به بعد.
 ۸) همانجا، ج ۲۱، ص ۲۷۴ به بعد.
 ۹) همانجا، ج ۲۳، ص ۸۵.
 ۱۰) همانجا، ص ۸۶.
 ۱۱) همانجا.
 ۱۲) همانجا، ص ۸۷.
 ۱۳) همانجا، ج ۲، ص ۲۷۵.
 ۱۴) همانجا، ج ۲۰، ص ۲۶۴.

و انسانها مانند اشیا عمل می‌کنند. مناسباتی که در آن، به نظر می‌رسد اشیا، اشیا هستند که در اصل توسط خود انسانها ساخته شده‌اند، بر انسانها حاکمند، نظیر شناخت ناکافی از قوانین حرکت طبیعت در ادوار کهن به احساس ضعف می‌انجامد. در دوران باستان، انسانها می‌کوشیدند با این احساس ضعف از طریق نسبت دادن خصوصیات فوق‌نیرومند به بت‌ها و خدايان خود ساخته مقابله کنند، و بالاخره مخلوقات خود را آفایان خود و خود را مخلوقات آنها می‌گرفتند. در چایی که تولید کالایی به شکل عمومی تولید تبدیل شود، نه تنها ساخته‌های انسان در برابر انسان مولد به صورت چیزی بیگانه ظاهر می‌گردد، بلکه خود فعالیت انسانی، ذات انسان، در قبال او مستقل می‌گردد و او را از روند زندگی واقعی‌اش، از کار مولد و خلق بیگانه می‌سازد. در شعور بسیاری از مردم، مناسبات اجتماعی ایجاد شده توسط انسانها به مثابه محصول طبیعت و امری زایل‌نشده می‌نماید، و بدین‌گونه احساس ضعف و پندارهای غیر واقعی می‌آفریند، احساسات و پندارهایی که بنویسند خود به روحیه مذهبی و اندیشه‌های مذهبی دامن می‌زند.

هر کس گمان می‌کند که مستقلاً به تولید اشتغال دارد. در این میان آنچه پنهان می‌ماند، مناسبات اجتماعی است ... جای تعجب نیست که در مرحله واپسین حاکمیت بورژوازی، مبارزه‌ای دقیقاً علیه تفکر و رفتار عقلایی، در پیش گرفته می‌شود. فلاسفه‌ای مانند دیلتی، ماکس وبر و غیره به مخالفت با "قابل محاسبه بودن" عقل ما و عقلایی بودن پدیده‌ها، و دفاع از شیوه‌های غیر عقلایی شناخت برخاسته‌اند.

۶- فلسفه ایده‌آلیستی و مذهب

در این رابطه باید بر تفاوت عمده‌ای که علیرغم برابری اصولی فلسفه ایده‌آلیستی و مذهب در عرصه جهان‌بینی، بین این دو وجود دارد، تأکید کرد. فلسفه، شکل آگاهانه جهان‌بینی است. بت‌های اولیه، صورت مجرد و مفهومی به خود می‌گیرند، تثبیت، الهه دریا، جای خود را به مفهوم رطوبت، به آب می‌دهد که یکی از اصول اولیه طالس است. شعور انسانی، به ایده عینی تبدیل می‌شود. اما مذهب (برخلاف الهیات) باید در درونی‌ترین هسته خود، در برابر چنین "مفهوم شدن" مقاومت کند و رابطه با بت‌گونه‌های مشخص فاقد عقلانیت را با برچا نگه دارد. به مثابه اندیشه مجرد عینی، برای توده‌ها حرفی برای زدن ندارد و هیچ یک از نیازهای مذهبی آنها را برآورده نمی‌سازد. همانگونه که انگلس کاملاً به درستی خاطر نشان می‌سازد (۱۲)، روایت شکل درباره آفرینش جهان، بسیاری پیچیده‌تر از تاریخ آفرینش انجیل است و برای روحیه مذهبی توده‌ها، برای آمادگی آنها جهت پذیرش تصورات غیر عقلایی که ریشه اجتماعی دارد، مناسب نیست. مذهب، نیازمند تصاویر بت‌گونه است، عیسی، مریم، حواریون، خدا به مثابه چهره پدری. همه تلاشهای "امروزی" برای محو این بت‌گونه‌ها، به گونه‌ای که وجود خدا دیگر در مکان و زمان به مثابه یک امر مشخص باشد، شاید بحد درخشند با زبانی تئوریک بپورند، اما برای توده‌ها قابل فهم نیستند. این است یکی از بحرانهای واقعی و زایل‌نشده مذهب، و به عبارت دقیق‌تر، الهیات.

این بحران، از دیدگاه تئوری شناخت، در تحلیل نهایی ریشه در تضاد میان اشکال عقلایی و غیر عقلایی با زتاب جهان در ذهن دارد. از این رو برخی خداشناسان "مدرن"، اگر چه می‌توانند با تلاش خود برای ساختن الهیاتی بدون تصورات بت‌گونه، تأثیر معینی در میان روشنفکران خرده‌بورژوا داشته باشند، اما هیچگونه نفوذی در روحیه مذهبی توده‌های وسیع‌تر ندارند، و اگر هم تأثیری دارند، منفی است، توده‌ها آن را رد می‌کنند ...

۷- پیشرفت علمی - فنی به معنای زوال خود بخودی مذهب نیست

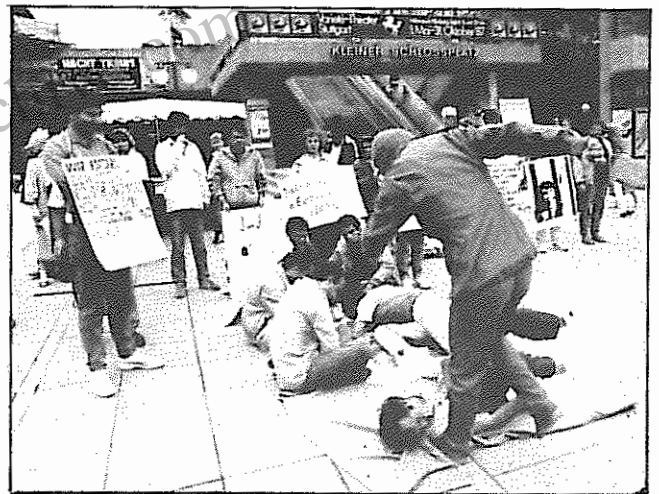
در سطور بالا شرایط اجتماعی پیدایش روحیات و تفکرات غیر عقلایی را که ریشه در تولید کالایی و سرمایه‌داری دارند، تشریح کردیم. در اینجا باید با تأکید با نظری مقابله کنیم که گاه نزد مارکسیستها نیز دیده می‌شود. این نظر می‌گوید مذهب بر اثر دگرگونی علمی - فنی، بر اثر سکولاریزاسیون، بر اثر روندهایی که ما در جای دیگر و در رابطه دیگر، تشریح کردیم، خود بخود زوال خواهد یافت. بسیاری گمان می‌کنند رفتار غیر مسیحی توده‌های گسترده کارگران، تأییدی بر این نظر است. اما اگر چنین باشد، تئوری مارکسیستی مذهب نادرست است. فراموش نکنیم که طبق برداشت مارکسیستی، ریشه‌های مذهب در تحلیل نهایی از نوع معنوی و فکری نیستند. با زتاب نادرست جهان در ذهن به صورت مذهب، ریشه‌های مادی اجتماعی دارد. پیش از دستیابی به آن شرایط اجتماعی که به انسان امکان دهد دایره شرایط اجتماعی‌ای را که اکنون بر او تسلط دارند، شناخته و تحت کنترل گیرد، نمی‌توان از زوال واقعی مذهب سخن گفت. تنها زمانی که انسانها با آگاهی کامل به ساختن تاریخ خود بپردازند، تنها زمانی که به تعبیر انگلس، علل اجتماعی فعال شده توسط انسانها عمدتاً و به میزان فزاینده‌ای به تأثیرات مورد نظر انسانها بیانجامد (۱۴)، تنها زمانی که انسانها روابط میان علت و معلول، تأثیرگذار و تأثیرپذیر را به درستی و نیز رابطه‌ای طبیعی با آن مسائلی بیابند که نزد بسیاری از مردم، نیاز غیر عقلایی پناه جستن را می‌آفریند، مذهب زوال خواهد یافت. آنچه ما اکنون با آن سروکار داریم و در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری

دور از میهن

اشتوتگارت: اکسیون علیه شکنجه و اعدام در ایران

روز سه شنبه ۶ مردادماه، میدان مرکزی شهر اشتوتگارت عرصه همبستگی شهروندان آلمانی با مبارزه دلاورانه زندانیان سیاسی قهرمان ایران بود. انجمن پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم این شهر، با برگزاری حرکتی پرنمود به نشانه پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان اوین و گوهردشت و برای اعتراض به سفر ولایتی وزیر امور خارجه رژیم خورنیز خمینی با شعارهای "مرگ بر خمینی" و "درود بر همبستگی بین المللی" طی یک روز برگزاری حرکت، سازمانهای مترقی و مدافع حقوق بشر و شهروندان آلمانی را به محکوم کردن جنایات دژخیمان خمینی در

سیاهچالهای جمهوری اسلامی و برای نجات جان دهها هزار زندانی سیاسی فراخواند. شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی، ضمن پخش اعلامیه‌های افشاگرانه به زبانهای آلمانی و فارسی در میان شهروندان اشتوتگارت، با اجرای یک قطعه نمایشی، جنایات ضد بشری خمینی را در زندانها به نمایش گذاشتند. این قطعه نمایش، که در چندین نوبت به اجرا درآمد، یکی از پر بیننده ترین قسمت‌های حرکت بود. خبر این اقدام همراه با عکسی که در زیر مشاهده می‌کنید، در روزنامه "اشتوتگارت" انعکاس یافت.



آتش سوزی در اقامتگاه پناهندگان

در تاریخ ۵ مردادماه، اقامتگاه پناهندگان در شهر "زیمباخ" در ایالت بایرن آلمان فدرال بوسیله عده‌ای از نفوذاشیست‌ها به آتش کشیده شد. در این ایالت علاوه بر اینکه پناهندگان تحت فشار و تضییقات غیرانسانی و غیرقانونی هستند، از طرف دستجات نفوذاشیست نیز در معرض تهاجم قرار دارند. مقامات محلی این ایالت، هیچگونه اقدام موثری در جهت توقف اقدامات نفوذاشیست‌ها انجام نمی‌دهند.

اقامتگاه پناهندگان در شهر "زیمباخ" که طعمه آتش نفوذاشیست‌ها قرار گرفت، یک ساختمان قدیمی مخروبه و غیرقابل استفاده بود، که در آن علاوه بر پناهندگان سایر ملیتها، دو خانواده ایرانی ساکن بودند. در جریان این آتش‌سوزی، با وجود بی توجهی آشکار اداره آتش‌نشانی و پلیس برای خاموش کردن آتش، خوشبختانه با عکس‌العمل و خروج بموقع ساکنین اقامتگاه، پناهندگان توانستند، از شعله‌ها نجات یابند.

عوامل عملیات تروریستی رژیم خمینی در پاکستان

بطوریکه در گزارشهای متعدد "اکثریت" در مورد عملیات تروریستی رژیم جنایتکار خمینی در پاکستان گزارش دادیم، یورش مسلحانه مزدوران و چماقداران حزب اللهی به اقامتگاههای پناهندگان ایرانی در شهرهای کوئته و کراچی نقطه اوج "دیپلماسی جنایت" رژیم در مقابله با اپوزیسیون مترقی در خارج از مرزهای ایران بود. در پی این حملات پربرمنشانه، مطبوعات رژیم ضمن بازتاب شادمانی حیوانی خود از این اقدامات وحشیانه، مذبوحانه تلاش ورزیدند، دستان خوناورد و پلید رژیم خمینی را از دید جهانیان پنهان سازند. اما افشاکاری وسیع ایرانیان خارج از کشور، خمینی را در این هدف خود فاکام گذاشت. در جریان رویداد خونین هفدهم تیرماه پاکستان، هرچند که پلیس رژیم فاشیستی پاکستان، با مزدوران خمینی همکاری فعال داشت، اما ابعاد جنایت آدمکشان خمینی در حدی نبود که مقامات پاکستانی بتوانند پراحتی با سکوت رضایت آمیز از کنار آن بگذرند.

اکنون با آشکار شدن نقش جنایتکارانه ساواک خمینی و سپاه پاسداران در سازماندهی این حملات وحشیانه، و با دستگیر شدن تعدادی از آدمکشان رژیم که در عملیات تروریستی شرکت داشتند، رژیم خمینی قصد دارد با فشار به دولت پاکستان از علنی شدن اسامی و اطلاعات بدست آمده از مزدوران جلوگیری نماید.

پلیس پاکستان در راستای همکاری جنایتکارانه خود با رژیم ضدبشری خمینی، سعی می‌کند، از افشای اسامی جنایتکاران خمینی که در بازداشت بسر می‌برند، جلوگیری کند. بنا به اطلاعاتی که "کانون پناهندگان ایرانی - کراچی" صادر کرده است. اکنون تعدادی از مزدوران خمینی بازداشت شده‌اند. دو تن از آنان بنامهای دادالرحمن دانشمند و قادر بخش بلیده‌ای که در عملیات تروریستی نقش فعالی داشتند، توسط پلیس پاکستان در نقطه نامعلومی نگه داشته شده‌اند. برپایه

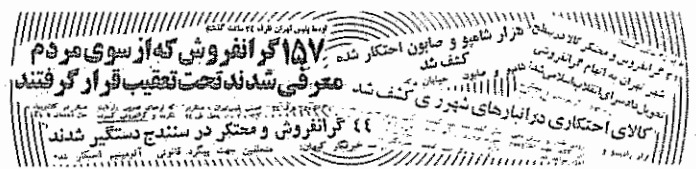
این اطلاعات، پلیس پاکستان زمینه فرار آنان را آماده می‌کند.

روزنامه پاکستانی "داون" مورخ ۵ ژوئیه نیز از بازداشت ۵ نفر از مزدوران خبر داده است. تا بحال اسامی ۴ تن از آنان بنامهای حبیب الله، ابراهیم، سیدرضا مهدی افشا شده است. این روزنامه در همین رابطه نوشته است، "مهدی که سمت معاونت فرماندهی نیروهای حمله کننده علیه تبعیدیان را بعهده داشته است در اظهاراتش در مقابل دادگاه چنین بیان می‌دارد که با سلاطین و پادشاهان افغانستان بنام امین الله وارد پاکستان شده است. او همچنین اظهار داشت که ابتدا به زاهدان پرواز کرده و سپس از طریق ننگران، باریکه مرزی بین پاکستان و ایران به کوئته رفته است. در آنجا دو خانه را به اجاره درمی‌آورد. یکی از خانه‌ها برای گردآوری اسلحه و مهمات مورد استفاده قرار می‌گیرد و از دیگری برای محل اقامتش بهره می‌گیرد. کلیه عملیات توسط فرمانده عملیاتی به نام عباس الیاس نامور حسینی رهبری می‌شود. او کسی است که نقش‌ها و ماموریت گروه عملیاتی را تعیین کرده است. مهدی همچنین گفت که چند روز پیش از عملیات علیه مخالفان، محموله‌ای از سلاحهای مدرن و مهمات را در تماسی که در نزدیکی دفتر پست انجام داده است، تحویل گرفته و بعد آنها را در محل مسکونی خود می‌گذارد. شب قبل از عملیات، سایر کماندوها که خود را به کوئته رسانیده بودند در محل مسکونی او که مرکز فرماندهی قرار گرفته بود ملاقات می‌نمایند. بعد از خاتمه عملیات در بامداد روز ۸ ژوئیه علیه مخالفان در کوئته، گروه به سمت مرز پاکستان و ایران فراری می‌گردند. آنها قبل از عزیمت سلاحها و مهمات خود را در باغی چای می‌گذارند. اما قبل از ورود به خاک ایران وسایل نقلیه ایشان دچار نقص گردید و منجر به بازداشت آنان شد. ۱۲ کماندو قبل از ورود به ایران دستگیر شده و در ناحیه چاکامی تحت نظر قرار می‌گیرند. از این ۱۲ تن، پرونده ۵ نفر به دادگاه ارجاع شده است. ●"

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

«رسالت»، بازار در مبارزه با گرانی

بقیه از صفحه اول



نگاهی بر برخی از علل گرانی در کشور

تورم و کنش اقتصاد کاپیتالیستی همراه یکدیگرند و تورم از شکل عملکرد دوره‌ای به شکل عملکرد همواره‌ای فرا رولیده است. در شرایط قدر قدرتی بی‌چون و چرای سرمایه امپریالیستی، و در چارچوب تقسیم سرمایه‌دارانه جهانی فعالیت اقتصادی، سرمایه‌دارانه کشورهای متروپل در کنار صدور خود و صدور کالا به صدور بحران و تورم اقدام می‌کنند. نرخ تورم در کشورهای وابسته بسیار بیش از نرخ آن در کشورهای متروپل است، چه کشورهای امپریالیستی پاراضلی بحرانیهای اقتصادی راه کشورهای وابسته مغتقل می‌کنند. کشورهای امپریالیستی همواره با افزایش بهای کالاهای صادراتی خود که محصول اعمال نظور و دگرگونی مواد خام ارزان وارداتی است - بخش اعظم تورم را در قالب کالای گران به کشورهای وابسته و در حال توسعه صادر می‌کنند.

اینکه اقتصاد سرمایه‌داری وابسته حاکم بر کشور موچند و مولد تورم و گرانی است، حقیقتی است. این حقیقت همیشه وجود تورم گریزناپذیر را در اقتصاد ایران توضیح می‌دهد. اما لگام گسیختگی تورم در ایران، در ابعاد کنونی، ثمر مستقیم مجموعه کارکرد سیاسی و اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی است. شرح تورم در جامعه ایران نه کنترل‌شدنی است و نه هماهنگ افزایش می‌یابد. کلوله برفی است که

تورم، چون توسن لگام گسیخته‌ای، هر روز سرکش‌تر و رام‌ناشدنی‌تر، اقتصاد کشور را به عرصه تاخت و تاز ویرانگر خود بدل کرده است. تورم و گرانی ایفک در کشور هیداد می‌کند و چون شعله‌ای سوزان، قدرت خرید عمومی را در لیبیب مهارناشدنی‌اش به آتش می‌کشد. بازگویی کلی اینکه، گرانی بر اقتصاد کشور محیط شده است، راهکشاکی به حقیقت نامکشوفه‌ای نیست، چه گرانی را توده‌ها پیش از محورها و داده‌های آماری و پیش از زبان خشک و سرد اقتصادی، باگروشت و پوست خود لس می‌کنند و طعم تلخ آن را می‌چشند. رژیم شاه در گذشته و دارند رژیم خمینی امروز سعی داشته و دارند تا علل اصلی گرانی را از انظار پنهان داشته و ست و سوی خشم توده‌ای را متوجه کاسبکاران کوچک بنمایند. آنگاه که گرانی محفظه باور و تحمل را در هم می‌شکند و مردم از خشم و رژیم از هراس لبریز می‌گردند، ماموران حکومت بر آن می‌شوند تا با قربانی کردن خرده‌فروشان، کسب بزرگ را از کژند مصون دارند. چرا که علل وجودی چنین رژیم‌هایی در بقای کسب بزرگ نهفته است و خود در نعمات ناشی از آن شریکند.

تورم محصول نظام سرمایه‌داری است و اگر از مقاطع نخستین پیدایش نتم سرمایه‌سالاری که تورم چون بحرانی دوره‌ای در آن رخ می‌نمود، سرفقتر نمائیم، دیرگاهی است که

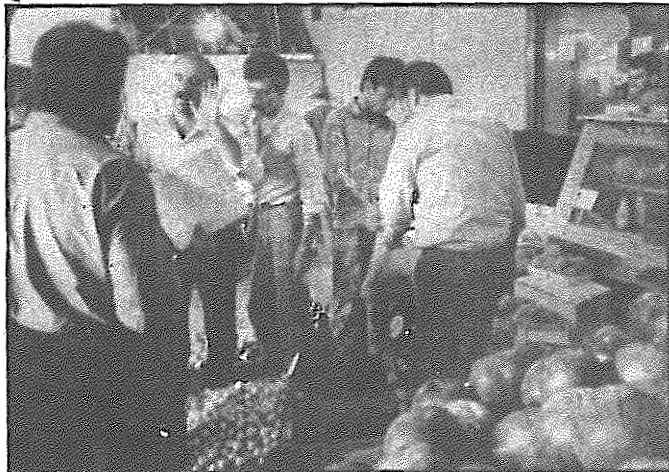
و نظیفه‌شناسی "طبقه محترم بازاریان" در امر سرکوب عاملین احتکار و گرانی تاکید فراوان کرده است. در یکی از این اطلاعیه‌ها آمده است، "پیرو اطلاعیه‌های قبلی در جهت حمایت و پشتیبانی اصناف و بازار اسلامی در باره مبارزه با گرانی و گرانفروشی، با توجه به دستورات حضرت امام مدظله‌العالی و رهنمودهای ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و سخنان دیگر مسئولین محترم، جامعه انجمنهای اسلامی اظهار امیدواری می‌کنند به اینکه انشا... این بارها کمک و مشارکت همه مردم و برنامه‌ریزی دولت محترم گرانی و گرانفروشی از بین رفته، علل و عوامل آن ریشه‌کن شود و عدالت اسلامی در ایجاد اقتصادی از تولید تا توزیع در مصرف کاملاً اجرا گردد." اطلاعیه در عین حال فراموش نمی‌کند که گوشزد نماید، "بنا به فرمایش امام عزیز بازار اسلامی بازوی سته‌رانقلاب بوده و همواره خود را مقلد دستورات ایشان دانسته و می‌داند لذا دستورات ایشان را تا سرحد امکان انجام داده و همیشه آرزوی آنها این بوده که ز الوصفان گرانفروش راه دست عدالت سبرده و تجارت و امور کسب را به صورت آرمان اسلامی نگهدارد."

مشاهده شد که این بار بازار اسلامی - تجار بزرگ - علیه ز الوصفان بازار غیر اسلامی - کسبه جزو و دکانداران کوچک - وارد عمل شده و بمتابه "بازوی سته‌رانقلاب" می‌کوشد از "آرمان اسلامی" که تجارت و امور کسب است در برابر آرمان غیر اسلامی دفاع و حراست نماید. درست بهمین خاطر است که حضور بازار اسلامی در صحنه گردانی مبارزه با گرانی، به امر مبارزه با گرانی و احتکار در سایه حکومت فقها، ویژگی می‌بخشد و بر کلیت آن میتوان "سبک کار اسلامی" نام نهاد.

تاکنون بسیاری از کسبه خرده‌پا تعزیر شده‌اند و دکانهای بسیاری را "بازوی سته‌رانقلاب" به چرم گرانفروشی بسته است ولی غول گرانی نه تنها در کورس خود از نفس نیافتاده است، بلکه خالقین آن بر بستر پروار شدن آن، پروار می‌شوند.

رژیم در ماجرا صحنه گردانی از شعارو های وهوی به عرصه عمل کشیده شد. کژمکان ایدئولوژیک همراه با کژمکان سنتی، بکیر و بپهنگد را آغاز کردند و اکیب‌های جدید مبارزه با گرانی تاسیس شدند و به چان کسبه جزو و دکانداران کوچک افتادند. نخست‌وزیری مبنای را مامور تهیه "آئین‌نامه دقیق تعزیرات" نمود و در شاری از دکانهای خرده‌فروشی شهر تهران بدستور مقامات "عالیه" تخته شدند و عده‌ای از کسبه فلک! و بدین گونه برده تعزیر حکومتی نمایش مبارزه با گرانی، جامعه واقعبت برتن کرد.

ویژگی سبک کار جمهوری اسلامی در امر "سرکوب" گرانی و احتکار در آن است که در این‌های وهوی ده‌گیر و بپهنگد، تلاش رژیم یکسره بران بوده که با مسدود ساختن سوراخ سوزن، فراخی دکشودگی دروازه را از انظار پنهان بنمایند و آن بدور از ایما و اشاره بدین معناست که چاروچنهال تبلیغاتی رژیم حول سرکوب عوامل احتکار و گرانی نه تنها تجار بزرگ را شامل نمی‌شود، بلکه تجار بزرگ و مولدین اصلی گرانی - و در یک کلام خود رژیم و باوآر اسلامی‌اش - در این "رسالت الهی" شرکت کرده و پیش‌تاز آن بوده‌اند. بازار در نمایش مبارزه با گرانی در هیئت قهرمان نخست ظاهر شد و پیش از سایرین علیه گرانی و احتکار سخن راند و دست به اقدامات متهورانه نین زد. رؤضامه رسالت، این سخنگوی کلان تجار کشور در چنجال انجام این فریضه اسلامی و وظیفه شرعی گوی سبقت از دیگر حریفان ره‌ود و علاوه بر درج چند ده گزارش مستقل پیرامون سرکوب تروریستهای اقتصادی، احمد آذری قمی صاحب امتیاز رسالت نیوتنا این لحظه قلم از کف نهاده و بیست و چند مقاله "مسلسل" علیه عوامل جداشناس گرانفروش منتشر کرده است. جامعه انجمن‌های اسلامی باوآر و اصناف تهران نیز در امر سرکوب عاملین احتکار و گرانی به ایفای نقش فعال پرداخته و با انتشار "مسلسل" اطلاعیه‌ها، بر پیش کسوتی و



ماموران "تعزیر حکومتی" هند وانه فروش‌ها را چریمه می‌کنند.

بهمین وار به سراسیمه در غلطیده و در هر دور خود، شتاب فزونیتری می یابد. اژانیرو محاسبه دقیق آن مستلزم لحظه نگاری آماری است و نرخ آن چون رابطه سیال ارژومادر بورس باژی کشورهای امپریالیستی، باید هر لحظه شناخته شود. مقامات رسمی رژیم نیز بهنگام ارائه شرح تورم، کالاهای متنوعی از رده های مختلف را بگونه ای جمع چبری می کنند که شرح اصلی و واقعی تورم را پوشیده دارند. گرچه نمیتوان به شرح دقیق و واقعی تورم دست یافت، ولی با مرور به برخی از علل موثر داخلی میتوان ابعاد آنرا آشکار ساخت. جدا از رابطه تقدم و تاخیری علل موثر در تورم داخلی کشور، میتوان مهمترین علل موثر را چنین دسته بندی کرد:

- ۱- کسری بودجه سالیانه
- ۲- هزینه های جنگی و جاری
- ۳- مالیاتها
- ۴- گرانی فروشی رسمی حکومت
- ۵- سیاست ارژی دولت

بدیهی است که سیاستهای اقتصادی رژیم یک مجموعه بهم پیوسته است و تفکیک آن به اجزا تنها به قصد سولت ارائه صورت گرفته و در جریان واقعی میتوان همه عوامل ذکر شده فوق را عرصه های تجلی یک سیاست نامید. پیش از ورود به مرور مختصر هر یک از عوامل و عرصه های پیش گفته، ضرورت دارد تاکید شود، "سیاست نوین اقتصادی" و "شرایط نوین اقتصادی" که در دوساله گذشته محور عملکرد اقتصادی رژیم واقع شده است، چیزی جز رسمیت بخشیدن و وسعت دادن به عملکرد گذشته رژیم نبوده و چون محصول بحران حاد اقتصادی است، میتواند بیان رسمی ورشکستگی اقتصادی رژیم نیز تلقی گردد.

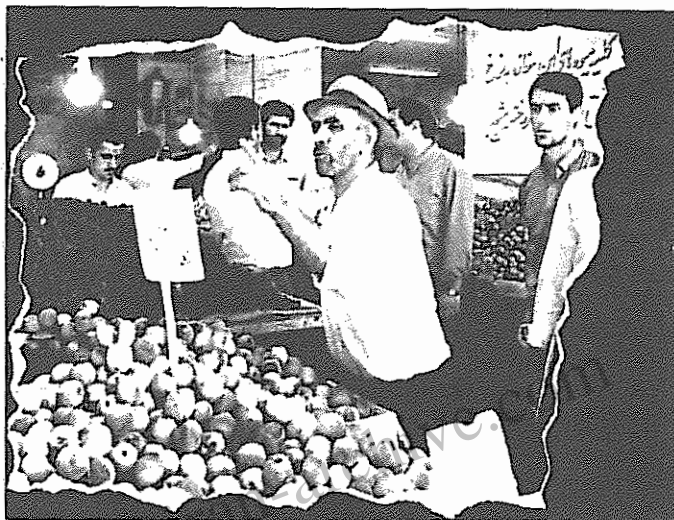
۱- کسری بودجه سالیانه

دورحاد بحران اقتصادی از سال ۶۲ رخ نمود. بهای نفت که در سال ۶۲-۶۱ به اوج خود رسیده بود و باعث آن گشته بود که فقها در خاشه شیشه ای رویاها و آرزوها برای آینده طلائی حکومت خود افسانه پردازی کنند، در اواخر سال ۶۲ روبه کاهش نهاد و در سال گذشته به کمترین حد خود در سالهای اخیر رسید. بحران حاد که در مختصات رژیم نظمه بسته بود، بدنبال سقوط بهای نفت، حادث گردید و آرزوهای فقها را بر باد داد.

سقوط بهای نفت تنها بحران ارژی را در پی نداشت، بلکه بلادرنگ به بحران مالی تمام عیاری فراروشید و بحران مالی که خود را در

کسری بودجه عظیم سالیانه متجلی می ساخت، با وپان بی وپانی اعلام ورشکستگی اقتصادی رژیم بود. کسری بودجه رژیم نیز همساله فزونی می گیرد، تنها کسری بودجه سال ۶۵ از مرز ۱۲۰۰ میلیارد ریال گذشت و چند برابر کسری بودجه پیش بینی شده در لایحه بودجه سال ۶۵ گردید. کسری بودجه سال ۶۶ را ۱۰۰۰ میلیارد ریال در نظر گرفته اند، در انتهای سال حاضر تا چه حد بر آن افزوده گردد، باید ماند و دید.

بشدت محدود گردد و در مقابل، کارهای غیر تولیدی و ونه سنگینی شوند، گردش پول در هر دور باعث افزایش تورم می شود. در چنین شرایطی اقتصاد خود را تولید نمی کند، بلکه بحران اقتصادی خود را می زاید. در پی زاد و ولد بحران اقتصادی رشته های تولیدی به سختی آسیب می بینند. افزایش گردش پول وجه مکمل افزایش حجم پول در گردش می شود و هر دو بر کوره تورم می دمند و شعله ورش می سازند.



رژیم در مقابل با کسری بودجه، که در واقع ورشکستگی و عجز ستون درآمدها در مقابل ستون هزینه ها است، به استقراض از سیستم بانکی و انتشار اسکناس روی می آورد. چاپ اسکناس بگونه ای بی سابقه و برون از حد متعارف، البته از سال ۶۲ آغاز شده، بلکه از این سال شدت یافت. مسئولین رژیم در هیئت کلاهدارانی به چاپ اسکناس بی ارژوش روی آوردند. کافی است اشاره شود که رژیم در فاصله زمانی ۵۷ تا ۶۱، میزان اسکناس و مسکوک منتشره را دو برابر کرده است. دو برابر شدن میزان اسکناس و مسکوک منتشره در این فاصله زمانی در شرایطی صورت می گیرد که هنوز اژدهای بحران دهان خود را کامل نگشوده بود و بحران حاد اقتصادی پس از این فاصله زمانی، موجودیت یافت. سیاست انتشار و ضرب بی رویه اسکناس و مسکوک، بطور جدی بر تورم موجود افزود و باعث کم ارژی مغرط پول در گردش گردید.

۲- هزینه های جنگی و جاری

آنجا که اقتصاد از عرصه تولید باورنماند و با تولید نضعات مادی در مجموعه فعل و انفعالات اقتصادی

هزینه های جنگی و هزینه های جاری رژیم را نمیتوان بطور دقیق باورنماند، چرا که رژیم در ستون هزینه ها، شیوه ارائه آمار مخدوش را پیشه کرده است. علاوه بر این آنچه را که رژیم در ستون هزینه های عمرانی گنجانیده بعضا در خدمت جنگ بوده و می بایست به مثابه هزینه های نظامی تلقی گردند. هزینه جاری لایحه بودجه سال ۶۶ را بالغ بر ۲۴۸۲ میلیارد ریال پیش بینی کرده اند. از آن بین هزینه دستگاهها و نهادهای سرکوب و امنیتی و دستگاه طویل و عریض اداری بیشترین سهم را در افزایش گردش پول در جامعه برعهده دارند. اختصاص هزاران میلیارد ریال به امر جنگ و سرکوب و مسائل امنیتی، یکی از ارکان اصلی سیاست تورم زای رژیم بحساب می آید. رژیم که از صرف هزاران میلیارد ریال در این زمینه ابائی ندارد، تاکنون به بهانه جلوگیری از افزایش تورم، از افزودن بر حقوق ناچیز حقوق بگیران ثابت - کارگران و کارمندان - تن زده است! تنها کافی است خاطر نشان گردد، حجم پول که شامل اسکناس و مسکوک در گردش با اضافه سیرده های دیداری بخش خصوصی می شود تنها در فاصله زمانی ۵۷ تا ۶۱ - پیش از وحدت

بحران - نزدیک به سه برابر افزایش یافته است.

۳- مالیاتها

رژیم سیاست افزایش مالیاتها را در پیش گرفته است. برای نخستین بار در چند دهه اخیر، نقش درآمدهای نفتی در ستون درآمدهای رژیم از جایگاه نخست فرو افتاد و درآمدهای مالیاتی جایگزین آن در جدول درآمدهای بودجه گردید. "سیاست اقتصادی جدید" رژیم چیزی جز رسمیت بخشیدن به اخذی حکومتی نیست. موسوی نصبت وزیر رسا اعلام کرد که میزان وصول مالیات نسبت به گذشته به دو برابر افزایش یافته و در عین حال نسبت به همین مقدار مالیات وصولی نیز ابران ناخرسندی کرد.

افزایش میزان مالیاتها و بویژه مالیاتهای غیر مستقیم به دو شکل در امر تورم زایی موثرند. از یک سو جز حقوق بگیران ثابت که پرداخت کنندگان صرف مالیات هستند - بخش مهم مالیاتهای مستقیم - دیگر بخشها، مالیات پرداختی را بر بهای کالاها عرضه شده می افزایند و از سوی دیگر رژیم از طریق پول جذب شده ناشی از دریافت مالیاتها، برنامه های خود را هزینه می کند و پول را مجدداً به جامعه برمی گرداند و از این طریق به افزایش حجم پول در گردش و شتاب این گردش دامن زده و به تورم ابعاد بیشتری می بخشد.

۴- گرانی فروشی رسمی حکومت

بحران که در محفظه اقتصاد کشور قدر قدرت گردید، رژیم سیاستهای "جدیدتری" را در پیش گرفت. مسئولین بیت المال در راستای کسب درآمد بیشتر و سرکسبه کردن توده ها بر کوشش پیشین خود بسی افزودند. رژیم در پیوشد با بازار اسلامی و در چارچوب "عدالت اقتصاد اسلامی"، خود به بزرگترین گرانی فروشی بدل گردید. در بی حدت گیری بحران ارژی و مالی، و هموارات سیاست افزایش مالیاتها، رژیم بر شرح هر کالائی که در اختیار داشت افزود و از این طریق با چپاول توده ها، هزینه های خود را تامين کرد. گرانی فروشی رسمی حکومتی به دو شکل عربان و پنهان صورت می گیرد. جمهوری اسلامی از یکسو بر بهای بنزین، نفت و دیگر فرآورده های نفتی افزود - آقا زاده و وزیر نفت رژیم اخیرا اعلام کرده است که بهای بنزین باز هم افزایش خواهد یافت - و از سوی بقیه در صفحه آخر

آلمان فدرال: مرثیه برای رودلف هس

پس از جنگ، آمریکا، انگلیس و فرانسه پادشاه را بصورت ممانعت از اعدام او دادند. هس، به حبس ابد محکوم شد. اما هنوز مدت زیادی از محکومیت او نگذشته بود که ژنرال هس برای آزادی او از کشورهای غربی، به خصوص آلمان فدرال، بلغند شد. این اواخر، به این تبلیغات، رنگ و لعاب انساندوستی هم می‌زدند، "این پیرمرد را آزاد کنید، او که دیگر کاری از دستش ساخته نیست." بعضی‌ها هم حتی ظاهر خیر اندیش به خود می‌گرفتند و می‌گفتند، "اگر هس در زندان بمیرد، به بت تلونازی‌ها تبدیل خواهد شد." سه دولت آمریکا، انگلیس و فرانسه از سالها پیش موافق آزادی هس بودند. اما دولت شوروی چگونه می‌توانست با بخش چنایتنکاری موافقت کند که از طراحان لشکرکشی به اتحاد شوروی و کشتار ۲۰ میلیون تن از مردم این کشور بود؟

هس در زندان مرد. کلیشه ای که در این صفحه می‌بینید، بریده ای از روزنامه دست راستی "دی ولت" چاپ آلمان فدرال است. یک افسر بازنشسته نیروی دریایی، آکبی بلغندبالایی برای هس داده، و در آن، از هس در دادگاه نورنبرگ چنین نقل کرده است که، "وقتی در برابر محکم عدل الهی بایستم... تهره خواهم شد."

بگذار مژدوران هار سرمایه، به محکم عدل الهی دل ببندند. اما خلقتها، در برابر محکم تاریخ ننگ ابدی بر پیشانی همه آنها می‌زنند که وکیل مدافع چنایتنکاری چون هس شده اند.

رودلف هس مردمی گویند معاون هیتلر، در سن ۹۲ سالگی در زندان "اشپاندائو" (برلین غربی) خودکشی کرده است. او آخرین باؤمانده چنایتنکاران اصلی جنگ دوم جهانی بود. هیتلر، گورینگ، گوبلز، میسلر، موسولینی و...

چرا هس، معاون "پیشوا" و کسی که در یکی از بالاترین مقامات "رایش سوم"، نقش تعیین کننده ای در طرح ریزی چنایتنکاری‌ها داشت، همراه با سایر همکاران هایش در دادگاه نورنبرگ به اعدام محکوم نشد؟

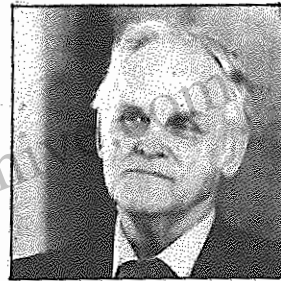
در دادگاه نورنبرگ، قضات اتحاد شوروی، آمریکا، انگلیس و فرانسه چنایتنکاران جنگی را محکوم کردند. دادرش شوروی، تا آخرین لحظه بر صدور حکم اعدام در مورد هس، با فشاری کرد. اما دولت‌های غربی، مانع از اعدام هس شدند. هس در سال ۱۹۶۱ بطور اسرار آمیزی از آلمان به انگلستان پرواز کرد و دیگر به نزد "پیشوا" نرسید.

تاریخ نویسان بورژوازی، می‌گویند هس، از آلمان هیتلری گریخت. اما شواهدی وجود دارد که حاکی از آن است که هس، با اطلاع و موافقت هیتلر، و برای مذاکره با چرچیل به انگلستان رفت. در هرحال، چه با اطلاع و چه بدون اطلاع هیتلر، هس بعنوان دست راست هیتلر می‌خواست به جنگ آلمان و انگلیس پایان دهد و همه نیروهای جهان سرمایه داری را بر علیه اتحاد شوروی برانگیزد. چرچیل، بعنوان سردمدار راست ترین نیرو در ائتلاف ضد هیتلری، همواره گوشه چشمی هم به این گونه بندوبستها با فاشیسم داشت.

گس هال دبیرکل حزب کمونیست آمریکا در کنگره حزب: ریگان در حال عقب نشینی است، اما نباید دچار توهم شد

آمریکا گفت تغییر تناسب قوا در جهان و شیوه مقاومت مردم آمریکا در برابر سیاست امپریالیستی و مداخله جویانه ایالات متحده، دولت ریگان را به انجام ماثور و عقب نشینی در برخی عرصه‌های معین وادار کرده است. گس هال این امر را حائز اهمیت جدی دانست و افزود، "لازم است که هر دو وجه واقعیت را ببینیم، هم عدم تغییر سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و هم امکانات نوینی را که برای وادار کردن امپریالیسم آمریکا به عقب نشینی فراهم آمده است."

گس هال در مورد رسوایی "ایران کیت" گفت این ماجرا، از هم پاشیدن مکانیزم‌های دموکراتیک



گس هال

مبتنی بر قانون اساسی آمریکا را بر ملا کرد. وی افزود شورای امنیت ملی و سرویس جاسوسی سیا، که سرخ "ایران کیت" را در دست داشته اند، از آغاز ابزارهایی برای جنگ سرد بوده اند. این دو ارگان، مراکز جهانی ضد انقلاب محسوب می‌شوند.

گس هال، طبقه کارگر را نیروی اصلی مبارزه برای دموکراسی و در عین حال آماج اصلی بورش طبقه حاکم نامید. از آغاز حکومت ریگان، ۱۴ میلیون تن از زحمتکشان شغل خود را از دست داده و بیکار شده اند. رهبر حزب کمونیست آمریکا افزود برای بسیاری از زحمتکشان، این امر هر چه آشکارتر می‌گردد که طبقه کارگر، اگر متحد عمل کند، تنها نیرویی است که می‌تواند با یورشهای انحصارات فراملیتی و سرمایه مالی مقابله نماید.

گس هال اعلام کرد حزب کمونیست آمریکا در سال ۱۹۸۸ برای انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا معرفی خواهد کرد. در کنگره حزب کمونیست آمریکا، به دعوت این حزب هیتلری از فدائیان خلق ایران (اکثريت) - آمریکا شرکت جست.

همانگونه که در "اکثريت" شماره ۱۷۰ گزارش دادیم، بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست آمریکا در شیکاگو برگزار شد.

گس هال دبیرکل حزب کمونیست آمریکا که در این کنگره درست خود ابقا کردید، در گزارش کمیته مرکزی به کنگره به بررسی مهمترین رویدادها و روندهای سیاسی در جهان و در ایالات متحده پرداخت. گس هال در سخنان خود گفت بشریت هم اینک بر سروراهی بیسابقه ای قرار گرفته است، یا جنگی بدون برنده و بیاصلحی بدون بازنده. وی افزود روند رویدادهای جهانی که شتاب بیشتری یافته است، بیش از هر کشور در ایالات متحده تاثیر می‌گذارد. ایالات متحده از بزرگترین کشور وام دهنده به بزرگترین کشور مقروض تبدیل شده است. قروض خارجی آمریکا از مجموع قروض سه کشوری که در فهرست کشورهای مقروض، مقامهای دوم تا چهارم را اشغال کرده اند، بیشتر است. تولید جنگ افزار، جای تولید کالاهای غیر نظامی را گرفته است.

دبیرکل حزب کمونیست آمریکا خاطر نشان ساخت سه آمریکا در صادرات و خدمات در جهان سرمایه داری به ۱۴ درصد کاهش یافته است.

گس هال گفت اتحاد شوروی در هفتاد و هفت سال ساختمان سوسیالیسم، در پیلن امر پررنگ دگرگونی است. وی افزود اتحاد شوروی رهبری مبارزه برای قطع مسابقه تسلیحاتی هسته ای را بر عهده گرفته است. دولت ریگان ناچار به عقب نشینی در برخی عرصه‌ها شده و در نتیجه، احتمال حصول توافق در پاره محو موشکهای میان برد و برد کوتاه، کاهش نیمی از ژرادخانه سلاحهای دوربرد استراتژیک و محدود کردن "جنگ ستارگان" به آزمایش در لابراتوارها، افزایش یافته است.

گس هال در عین حال تأکید کرد این روندهای مثبت به هیچ وجه نباید باعث نتیجه گیریهای نادرست شود. وی گفت، "مانهاید دچار توهم و اشتغال شویم... هیچ تغییر بنیادی در نظرات و اهداف امپریالیسم آمریکا پیش نیامده است. او هنگام جنگ دوم جهانی، سیاست آمریکا متوجه آن بوده است که بر بخش هر چه بزرگتری از جهان اعمال سلطه اقتصادی، نظامی، ایدئولوژیک، سیاسی و مالی کند." دبیرکل حزب کمونیست

"Bereinst stehe ich vor dem
Richterstuhl des Volkes."
... Er spricht mich frei."
Nürnberg Prozess 1. 9. 1946

Wir verneigen uns in tiefer Ergriffenheit.

Rudolf Heß

† 29. 4. 1894 Alexandrien/Ägypten
† 17. 8. 1987 Berlin-Spandau

Mit unserem letzten Gruß.

Für alle, die mit uns trauern.

Gert v. Kamptz, Kapitän zur See a. D., Kiel

ادامه اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی علیه نم آخر اجهای جمعی

اعتصاب نژودیک به ۴۰۰ هزار معدنچی در آفریقای جنوبی، که هفته گذشته او آغاز آن گزارش دادیم، ادامه دارد. شرکتیای صاحب معدن زغال سنگ و طلا در آفریقای جنوبی دست به اخراج جمعی اعتصابیون زده اند، اما علیرغم این اقدامات، معدنچیان مصمم به ادامه اعتصابند.

از آغاز اعتصاب، پلیس رژیم آپارتاید علیه کارگران دست به خشونت زده است. در روز جمعه ۱۴ اوت در جریان حمله پلیس به کارگران معدن طلای "وسترن دیپ" در نزدیکی ژوهانسبورگ، ۷۰ کارگر مجروح شدند. پلیس در این یورش که با استفاده از تازیکی شب صورت گرفت، از گاز اشک آور و کلوله های لاستیکی استفاده کرد. در روز یکشنبه ۱۶ اوت، پلیس به خانه های کارگران معدن مانلا در شرق ژوهانسبورگ حمله ور شد.

علاوه بر عملیات پلیسی، دولت آفریقای جنوبی و انحصارات برای درهم شکستن اعتصاب از جریه اخراج بهره می گیرند. بزرگترین شرکت صاحب معدن طلای آفریقای جنوبی بنام "آنگلو آمریکن کورپوریشن"، در روز جمعه ۲۱ اوت ۴ هزار معدنچی را اخراج کرد. این شرکت تهدید کرده است که در روز دوشنبه ۲۴ اوت، ۱۶ هزار معدنچی دیگر را در صورت ادامه اعتصاب، اخراج خواهد کرد.

"آنگلو آمریکن" در روز پنجشنبه ۲۰ اوت نیز ۲ هزار کارگر معدن را اخراج کرد. شرکتیای "گنسور" و "ژوهانسبورگ کوشولیدیت اینوستمنت" نیز تهدید کرده اند علیه ۲۸ هزار کارگر به اقدامات مشابهی متوسل خواهند شد.

در مقابل، کارگران همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند. سیریل رامافوزا دبیر کل "اتحادیه ملی معدنچیان" اعلام کرد ۲۰۰ هزار عضو این سندیکا ترجیح می دهند اخراج شوند اما اعتصاب خود را قطع نکنند. رامافوزا افزود، "ما اکنون در یک جنگ به سر می بریم". بزرگترین اعتصاب کارگری تاریخ آفریقای جنوبی، که دو هفته پیش آغاز شد، روزانه ۸ میلیون دلار به انحصارات ضرر وارد می سازد. ۵۶ معدن طلا و زغال سنگ دستخوش اعتصابند.

تاکنون سازمان وحدت آفریقا و اتحادیه های سندیکایی فرانسه و آلمان فدرال از اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی حمایت کرده اند. مهمترین خواستهای اعتصابیون عبارت است از ۲۰ درصد افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار و سیستم رفاهی.

علاوه بر اعتصاب معدنچیان، ۱۶ هزار کارگر پست آفریقای جنوبی و ۲۶۰۰ کارگر کارخانه بنز در این کشور نیز دست او کار کشیده اند.

نخستین موفقیت بزرگ کارگران در کره جنوبی

اعتصاب رومچویانه ۴۵ هزار کارگر کارخانه هیوندای در بندر اولسان کره جنوبی به نخستین موفقیت خود دست یافت. مدیریت هیوندای که بزرگترین شرکت صنایع سنگین این کشور است، هفته گذشته ناچار گردید سندیکای جدیدالتاسیس کارگران این شرکت را به عنوان طرف مذاکرات به رسمیت بشناسد. تاکنون مدیریت شرکت مزبور بر مذاکره با اتحادیه گوش پفرمانی که خود ایجاد کرده بود، پافشاری می کرد. اکنون شرکت هیوندای متعهد شده است که تا تاریخ اول سپتامبر با نمایندگان سندیکای جدید در مورد انعقاد قرارداد های جدید به توافق برسد. اعتصاب بزرگ هیوندای، دولت کره جنوبی را وادار ساخت وزیرکار این کشور را مامور میانجیگری میان کارگران و شرکت هیوندای کند.

در حال حاضر، بیش از ۵۰۰ واحد صنعتی در کره جنوبی شاهد اعتصاب کارگران است. او آغاز ماه ژوئیه، در نژودیک به ۱۵۰۰ واحد صنعتی کارگران حداقل یک بار دست او کار کشیده اند. طبق آمار دولتی، اعتصابات کارگری جاری در کره جنوبی تاکنون در حدود ۱/۳ میلیارد دلار از سود سرمایه داران این کشور کاسته است.

دانشجویان کره جنوبی نیز تظاهرات تشنه ای در همستگی با کارگران اعتصابی برآه

انداخته اند. در حال حاضر تدارکاتی برای تاسیس یی اتحادیه سراسری جدید دانشجویی انجام می گیرد.

در ۲۷ شهر کره جنوبی، رانندگان تاکسی ها دست به اعتصاب زده اند. ۱۴۰ شرکت حمل و نقل نیز دستخوش اعتصابند. کارگران سومین شرکت بزرگ کشتی سازی کشور به نام دایو نیز دست به اعتصاب زده اند. در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه هفته گذشته، پلیس ۱۱۶ کارگر اعتصابی را دستگیر کرد. "واحد ضد کمونیستی" پلیس کره جنوبی او آغاز اعتصابات کارگری تقویت شده است. این واحد، ماموریت دارد تحقیقاتی در مورد "فعالیت های کمونیستی" در جریان مبارزات کارگری انجام دهد.

چون دو هوان دیکتاتور کره جنوبی خواستار پایان اعتصابات جاری شد. وی گفت کماکان علیه "نیروهای سیاسی غیرقانونی، به کار برنده قهر، خرابکار و چپ" اقدام خواهد کرد و حتی بر شدت این اقدامات سرکوبگرانه خواهد افزود. علیرغم "عفو عمومی" اعلام شده در اوایل ماه ژوئیه، در حال حاضر هنوز ۵۶ زندانی سیاسی در کره جنوبی آزاد نشده اند. اتهامات آنها جاسوسی، توسل به قهر و "فعالیت های کمونیستی" است.

اعتصابات کارگری کره جنوبی هم اینک وارد ششمین هفته خود شده است.

تظاهرات در شبلی

نژودیک به ۲۰ هزار نفر در روز چهارشنبه ۱۹ اوت در تظاهراتی که به دعوت "فرماندهی ملی و حمتکشان"، بزرگترین اتحادیه سندیکایی شبلی، برگزار شده بود شرکت جستند و خواهان سرنگونی رژیم پیغوشه شدند. در این گردهمایی ماشوئل پوستوس

صدر اتحادیه سندیکایی نامبرده اعلام کرد در روز هفتم سپتامبر در سراسر کشور اعتصابی سراسری برگزار خواهد شد. پوستوس خواهان تحریم فراندومی شد که پیغوشه قصد دارد سال آینده با برگزاری آن مدت ریاست جمهوری خود را هشت سال دیگر تمدید کند.

گسترش اعتصاب غذای زندانیان ترکیه

هفته گذشته اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ترکیه که در زندانهای آنکارا و استانبول آغاز شده بود، به شهرهای دیگر گسترش یافت. به گزارش روزنامه حریبت، از روز سه شنبه ۱۸ اوت زندانیان سیاسی در شهر ارزونچان دست به اعتصاب غذا زده اند. در این زندان، ۲۰۰ زندانی سیاسی خواهان پوشیدن لباسی متفاوت با لباس زندانیان عادی، افزایش ساعات ملاقات و هواخوری و ممنوعیت کتک زدن و شکنجه زندانیان شده اند.

همچنین از اوایل ماه اوت، زندانیان زندان "کازیان تپ" نیز اعتصاب غذا کرده اند. دوتن از زندانیان اعتصابی به بیمارستان انتقال یافته اند.

در آنکارا بستگان زندانیان سیاسی شهرهای مختلف ترکیه اعتصاب غذا کرده اند.

حمایت او اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ترکیه در داخل و خارج از این کشور بسیار گسترده است. حتی یکی از نمایندگان حزب حاکم "مام وطن" در پارلمان ترکیه، خواستهای اعتصابیون را برحق و عادلانه نامیده است.

اخبار کوتاه

● در جریان سفر روکافچ معاون وزیر خارجه شوروی به پکن، دو کشور توافق کردند که یک کمیسیون مشترک، مسائل مورد اختلاف مرزی را حل کند. روکافچ در بازگشت به مسکو مذاکرات خود با مقامات چین را تشریحش خواند، اما افزود که به ویژه در مورد منطقه شرقی مرز مشترک دو کشور هنوز دشواریهایی وجود دارد.

● به گزارش روزنامه فرانسوی لوموند، هفته گذشته صداهاتن از اهالی جنوب سودان توسط ارتش این کشور قتل عام شده اند. لوموند منبع این گزارش خود را "ارتش خلق برای آزادی سودان" و یک سازمان امداد بین المللی ذکر کرده است. در این گزارش آمده است بدستور ژنرال عبدالله فرماندار نظامی جنوب سودان، مناطق مسکونی در چند شهر به محاصره نیروهای امنیتی درآمده و ۲۵۰ تن به قتل رسیده اند. طی روزهای بعد نیز ۲۵۰ نفر دستگیر و اعدام شده اند.

● وزرای خارجه شیکاراگوئه، گواتمالا، کاستاریکا، هندوراس و السالوادور طی اجلاس در سان سالوادور توافق کردند به منظور اجرای طرح صلح روسای جمهور این پنج کشور برای آمریکای مرکزی، مذاکرات منظمی میان این پنج کشور انجام گیرد. قرار است اجلاس بعدی وزرای خارجه در ماساگوا برگزار شود.

● در کنگره حزب دمکرات مسیحی شبلی، جناح راست و محافظه کار این حزب اکثریت آرا را به دست آورد. پاتریشیو آیولین، سناتور پیشین، ۵۵ درصد آرای نمایندگان به جانشینی گابریل والدز وزیر خارجه سابق که از رهبری حزب کناره گرفته است، انتخاب شده گفته ناظران، وی خواهان مذاکرات با پیغوشه و سازش با دیکتاتوری است. حزب دمکرات مسیحی با کنگره مزبور، خود را برای بدست گرفتن قدرت از طریق بندوبست با پیغوشه آماده کرده است.

منتشر شد:

شماره ۱۸ نشریه "آموزش‌هایی از انقلاب و سوسیالیسم" با مقالاتی به شرح زیر منتشر شد.

۱- تجربه نخستین انقلاب خلقی قرن بیستم

این مقاله به مناسبت هشتادمین سالگرد انقلاب ۷-۱۹۰۵ روسیه درج شده است. ب. ا. کوال، نویسنده مقاله، نوشته خود را با نقل قول زیر از لنین آغاز کرده است:

"پرولتاریای روسیه می‌تواند افتخار کند که ملت بردگان در سال ۱۹۰۵ تحت رهبری او برای اولین بار به سیاه میلیونی تهاجمی به تزارسیم و به ارتش انقلاب تبدیل شد."

مقاله تجربه نخستین انقلاب خلقی قرن بیستم، از مجله "طبقه کارگر و جهان معاصر"، شماره ۴ سال ۱۹۸۵ ترجمه شده است.

۲- دوران معاصر و مبارزه طبقاتی

از تاریخ ۸ تا ۱۰ اکتبر سال

۱۹۸۶ به ابتکار آکادمی علوم اتحاد شوروی کنفرانس "طبقه کارگر و جهان معاصر" در مسکو برگزار گردید. نمایندگان بیش از ۱۰۰ سازمان زحمتکشان و همچنین رهبران و متخصصین حدود ۴۰ مرکز علمی پیش از ۸۰ کشور در این کنفرانس شرکت داشتند. شخصیت‌های برجسته احزاب کمونیستی و کارگری، سوسیال‌دمکرات، کارگر و اتحادیه‌های کارگری، جنبش‌ها و سازمان‌های انقلابی دمکراتیک از کشورهای ازبندرسته در بحث‌ها شرکت کردند.

مطلب "دوران معاصر و مبارزه طبقاتی" متن سخنرانی کس‌هال، دبیرکل حزب کمونیست آمریکا در این کنفرانس است. متن این سخنرانی از نشریه "طبقه کارگر و جهان معاصر" شماره ۱ سال ۱۹۸۷ ترجمه شده است.

۳- تئوری لنینی امپریالیسم و تکامل آن توسط کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی

این مقاله توسط ن. و. زاگلادین نگاشته شده است. این مقاله از مجله "مسائل تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی" شماره ۷ ژوئیه سال ۱۹۸۶

برگرفته و ترجمه شده است.
۴- کنگره ۲۵ حزب کمونیست فرانسه، امیدها و مبارزه برای آینده
مقاله فوق توسط ماکسیم گرمس عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه نوشته شده است. در این مقاله ماکسیم گرمس دیدگاه‌های خود را در زمینه روندهای سیاسی در فرانسه و استراتژی کمونیست‌های این کشور در قبال این روندها را تشریح می‌کند.

۵- کلکتیو بزرگ حزبی (کارجمعی، اصل بنیادین حزب)

این مقاله توسط آلوار و کونیال دبیرکل حزب کمونیست پرتغال نوشته شده است. کونیال در این مقاله تشریح "کارجمعی، اصل بنیادین حزب" را هدف قرار داده است. مقاله مزبور مطالبی، با عناوین زیر را در برمی‌گیرد: نوع رهبری، ره‌آوردهای تاریخی - تشکیل هسته رهبری کننده و ادامه‌کاری رهبری - عوامل ثبات و نوسازی - کلکتیو و فرد - فردگرایی - دبیرکل و کارجمعی - انسان با زندگی و اراده خود. کلکتیو بزرگ حزبی" فصلی از کتاب "حزب همانگونه که هست" را تشکیل می‌دهد.

درباره

تئوری و نقد مارکسیستی

مذهب

مارکسیسم - لنینیسم، حاوی کتبیینه‌ای غنی از نقد مذهب است. متأسفانه، جنبش چپ ایران به اندازه‌ای که ضروری است، در معرفی این کتبیینه و انطباق خلق آن بر شرایط ملی، نکوشیده است. در این عرصه، انقلابیون کمونیست ایرانی هنوز وظایفی بزرگ در پیش رو دارند. مذهب، که در تاروپود زندگی جامعه ریشه داشته است، بر خوردی پیچیده و آگاهانه می‌طلبد. چنین برخوردی، بدون داشتن درکی روشن از عمده‌ترین مبانی تئوری و نقد مارکسیستی مذهب، امکان‌ناپذیر است. این امر در شرایط کنونی، به علت مهم گردیدن مبارزه علیه حکومت مذهبی در ایران، با وظایف سیاسی روز نیز گره می‌خورد.

نوشته حاضر، فشرده فصل سوم از کتاب "مارکسیسم - مذهب - عصر حاضر" است. این کتاب را روبرت اشتایگر والد، تئوریسین برجسته مارکسیست - لنینیست و عضو رهبری حزب کمونیست آلمان، در سال ۱۹۷۲ نگاشته است. در صفحه ۷

نگاهی بر برخی از علل گرانی در کشور

جامعه توزیع می‌شود.

بموازات سیاست‌های اقتصادی تورم‌زای رژیم، نابسامانی‌های اقتصادی و هرج و مرج موجود در بازار نیز بر ابعاد گرانی و تورم افزودند. بهای کالاها در چنین شرایطی دیگر بر اساس هزینه تولید و مکانیسم معمول بازار سرمایه‌داری تعیین نشده، بلکه حتی کاسبکاران کوچک شیون واحد بخش بهای کالاها داخلی را شرح بازار آزاد ارزهای خارجی قرار می‌دهند. این همه که توأم شد، تورم در ابعاد غریب آن شکل گرفت. در واقع برده مبارزه بازار اسلامی با بازار غیر اسلامی و پراه افتادن قافله تعویب کفندگان حکومتی شیون نتیجه این ماجراست. رژیم خمینی همراه و همکام با "طبقه محترم بازاریان" او خشم و عصیان توده‌ها علیه گرانی فوق‌العاده و دیگر نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی در هراس بوده و از طریق پراه انداختن چاروچنگال و بگیری و بیفند گرانفروشان بازار غیر اسلامی می‌کوشد تا خشم مردم را متوجه کسبه جز و دکانداران کوچک بکند. رژیم می‌کوشد تا رونق حجره "درشت خواران" را با سرکوب دکان "ریزه‌خواران" حفظ نماید.

بقیه از صفحه ۱۲

دیگر با سرآوری کردن کالاهای کوبنی بسوی بازار آزاد بشکل پنهان به گرانفروشی می‌پردازد. اخبار مستقل و حتی برخی اوگوارش‌های رسمی بر آن دلالت دارند که تحویل برخی از کالاهای کوبنی - که چیه کالاهای اساسی محسوب می‌شوند - ماهها به تعویق افتاده، حال آنکه همین کالاها به وفور در بازار آزاد یافت می‌شوند. در ضمن باید توجه داشت که افزایش بهای برخی از کالاها از جمله فرآورده‌های نفتی مستقیماً در افزایش بهای بسیاری از کالاها موثر می‌باشند.

۵- سیاست ارزی

در لایحه بودجه سال ۶۶، رژیم درستون درآمدها رقمی معادل ۱۲۰ میلیارد ریال را بعنوان درآمد حاصل از فروش ارز منظور کرده است. درآمد حاصل از فروش ارز در لایحه بودجه سال حاضر، بنودیک به بیست درصد درآمد نفتی منظور شده در این لایحه می‌باشد. رژیم بایشهرد سیاست ارائه و عرضه ارز با نرخهای متفاوت، که به قصد کسب درآمد بیشتر صورت می‌گیرد، مستقیماً بر تورم و گرانی کالاها می‌افزاید. هم اینک سه نوع ارز با شرح دولتی، صادراتی و آزاد در

برای اشتراک نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یارسید بانکی پودا خت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	شش ماهه	نشریه «کار»
۱۶ مارک	۱۴ مارک	<input type="checkbox"/>	یک ساله	<input type="checkbox"/>
۳۰	۲۷	<input type="checkbox"/>		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	سه ماهه	نشریه «اکثریت»
۳۶ مارک	۳۳ مارک	<input type="checkbox"/>	شش ماهه	<input type="checkbox"/>
۷۰	۶۴	<input type="checkbox"/>	یک ساله	<input type="checkbox"/>
۱۳۸	۱۲۵	<input type="checkbox"/>		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 171
MONDAY, 24 AUG, 87

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

یا جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید